

آموزش ابتدایی



دانشگاه آموزش عالی
موسسه پژوهش و توسعه آموزشی
مركز نشریات و كتابخانه تخصصی



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
www.roshdmag.ir دوره ی بیستم- مهر ۱۳۹۵- شماره ی پیدرپی ۱۵۸- ۴۸ صفحه- ۱۰۰۰۰ ریال

- پرونده: ورود به دبستان
- روی منزلت شغل معلمی کارکنیم



تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها: ۱۵ آبان ۱۳۹۵

مختلف صوتی و تصویری است که تقریباً بخش عمده‌ی زندگی افراد به‌ویژه نشر نوجوان و جوان جامعه را احاطه کرده و اوقات فراغت آن‌ها را به خود اختصاص داده است. این امر با شتابی فزاینده در جامعه در حال حرکت است.

اینک نظر شما؟

۱. آیا ورود فرزندان (دانش‌آموزان) به دنیای شگفت‌انگیز فن‌آوری‌های نوین ارتباطی یک فرصت است یا تهدید؟

۲. توجه و رعایت چه ملاحظات‌ی می‌تواند استفاده‌ی بهینه از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به وسیله‌ی فرزندان را تضمین سازد؟

○ با آغاز مهرماه یک بار دیگر دست شما را می‌فشاریم و با انتشار متن مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» همراهی شما را در مجله‌خواستاریم. در طی سال‌هایی که از اجرای این مشارکت می‌گذرد، با استقبال خوب خوانندگان روبه‌رو بوده‌ایم. پرسش‌های این شماره از لایه‌لای یکی از مطالب پرونده انتخاب شده است. برای شرکت در این فعالیت پاسخ تفصیلی خود را به نشانی پستی یا ایمیل مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی ارسال کنید.

● عصر نوین را عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نام نهاده‌اند. یکی از پیامدهای این دوره ورود تکنولوژی نوین در قالب‌های

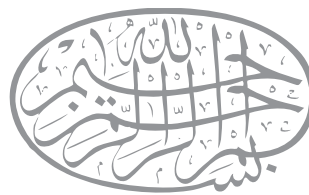


عکاس: اعظم لاریجانی

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیستم / مهر ماه ۱۳۹۵ / شماره‌ی بی‌دری ۱۵۸
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سرمدیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رمضان، سیده‌زهرای یاسینی،
یدالله رهبری‌نژاد، صادق صادق‌پور
مدیر داخلی: مریم موسوی
ویراستار: کبری محمودی
طراح جلد: محمود حسینی
طراح گرافیک: پریسا شندسی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۳۳۳۱ / ۱۵۸۷۵
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag:
ebtedayi@roshdmag.ir
پیام‌نگار:
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
شمارگان: ۲۸۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



دانش آموزان سرمایه‌ی کشور هستند.

یادداشت سردبیر - کمال مهر / اصغر ندیری / ۲
گفت‌وگو - روی منزلت شغل معلمی کار کنیم / محمود اردوخوانی / ۴
گزارش - دست در دست هم با رشد / ناصر بنی‌علی / ۷
آموزش - پله پله سیر کن / دکتر علی لطیفی / ۱۰
● من هنوز فرصت می‌خواهم / اکرم‌سادات کلاکی / ۳۲
● ظاهر و باطن معلم / لیلا سلیقه‌دار / ۳۶
در ساحل قرآن - خداوند قصه‌گو / ناصر نادری / ۱۲

پرونده (ورود به دبستان) - اتفاق نو / سیده زهرا یاسینی / ۱۵
● به یاد آن سلام‌ها / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۱۶
● دستم بگرفت و پا به پا برد / زری آقاجانی / ۱۸
● روز حساس / دکتر ابوالفضل بختیاری / ۲۱
● در کارگاه تحول / قاسم مهدوی / ۲۲
● بچه‌های بازگوش، بچه‌های گوش‌باز! / دکتر مرتضی مجدفر / ۲۴
● استقبال از غنچه‌های پاییزی / شهلا فهیمی / ۲۸

خاطره - سه روز در ورو / فردین ویسی / ۴۳
تجربه‌ی سبز - اشتباهات داستانی / طاهره شیرخانی / ۳۹
● یاور نماز / مریم محمدی / ۱۴
موزه - همه چیزش حسابی بود / محمود یحیوی / ۴۰
کودک و سینما - گمشده در شهر فرنگ / مهران نعمت‌اللهی / ۴۲
اطلاع‌رسانی - آمارت را دارم / زهره پیرهادی / ۴۴
همراهان ما - پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / ۴۶
کتاب‌خانه‌ی مدرسه - سفرهای پرماجرا داری و ناری / مریم موسوی / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام‌نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

کمال مهر

سلام. مهری دیگر برآمد و مهربانی آغاز شد. همکاران فرهیخته هرچند از یکدیگر چندماهی به ظاهر دور بودیم اما آماده‌سازی مجله ادامه داشت و ذکر خیر همگی می‌رفت. هرگاه که مقاله‌ای یا پیامی از سوی شما خوانندگان مجله را می‌گشودیم یا تلفنی را پاسخ می‌دادیم، چهره و لحنی صمیمی از شما در ذهن ما نقش می‌بست. در این سال بیستمین دوره‌ی انتشار مجله آغاز می‌شود و امیدواریم در ارزشیابی از نشریه‌ی خودتان بیشترین رضایت را داشته باشید.

تازه‌های دوره

در این دوره سعی داریم علاوه بر مطالب دائمی که شما زحمت آن‌ها را می‌کشید مانند تجربه‌ی سبز، نکته‌ها و خاطرات، پژوهش‌ها یا گزارش‌ها از چند سرفصل جدید رونمایی کنیم. در ساحل قرآن، سرفصلی است با محوریت داستان‌ها و آیات تعلیم و تربیتی قرآن کریم که سعی داریم در هشت شماره به آن بپردازیم. تحلیل فیلم یا کودک و سینما نیز از مباحثی است که در آن به بررسی پویانمایی‌ها و فیلم‌های مرتبط با کودک و حالات او خواهیم پرداخت. خلاقیت و مهارت نیز از بخش‌هایی است که به‌طور ادامه‌دار به بحث تفکر و پژوهش خواهد پرداخت. پرونده‌های (مطالب ویژه) مجله همچنان مفتوح است. در شماره‌ی اول «ورود به دبستان» را خواهید خواند.

به کمال برسیم

همه‌ساله دست‌اندرکاران مجلات رشد و به عبارت دیگر، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در شهر تنکابن گرد هم می‌آیند تا مقدمات سال کاری جدید را فراهم کنند. در سال ۹۶ - ۹۵ در تبیین دیدگاه‌های مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان - رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - در روشن ساختن استلزامات و وظایف دفتر و به‌خصوص مجلات رشد سخنانی ایراد کردند که خلاصه‌ای از راهنمایی‌های ایشان را از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

«بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند را شکر می‌کنم که به من توفیق داد تا در جمع همکاران عزیز خودم باشم. حضرت امیر(ع) در نامه‌ای در نهج‌البلاغه، خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «اعینونی بوزع و اجتهاد و عفت و سداد». البته انتقادی است که از کارگزار خود می‌کند. آن کارگزار فرماندار بصره بود که به یک مهمانی دعوت شده بود. بدون آنکه اطراف این دعوت را بسنجد، بدون تأنی می‌رود. کارگزاران مخفی اطلاعاتی امام هم به ایشان گزارش می‌دهند که فرماندار بصره به فلان عروسی رفت و آن عروسی را هم وضعیتش را شرح می‌دهند. حضرت هم نامه‌ی تندى به او می‌نویسد و در جایی از آن می‌فرماید: شما باید الگویتان من باشم. امام شما که من هستم، در زندگی دنیوی‌اش به دو لباس و در طعام خود به دو قرص نان روزانه اکتفا کرده است. بعد می‌فرماید، می‌دانم که شما قادر به این کار نیستید. مرا کمک کنید با پرهیزگاری و آلوده نشدن به حرام‌ها.

اگر جامعه آلوده باشد، حکومت و ارکان نظام حاکم هم دچار گرفتاری می‌شوند. پس اولین کار ورع است، یعنی پرهیز از حرام. حضرت فرمود، دومین کمکی که می‌توانید به من کنید، این است که **اجتهاد** داشته باشید. اجتهاد یعنی نهایت فکر و تلاش را به کار بستن. سومین نکته که حضرت فرمود، **عفت** است. عفت یعنی پاکدامنی و الگو بودن. یعنی نه تنها از



هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد
- در کجور، خراسان



هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد
- اوجاقلاسی، خراسان

حرام و خلاف شرع اجتناب کردن، بلکه از خلاف شأن هم اجتناب کردن. چهارمین مورد سداد است. پرکاری کنید، اما پرکاری تان منجر به نیک کاری شود. باید نیک و محکم عمل کنید. سداد یعنی کار محکم. اجتهاد باید با سداد همراه باشد. ما اگر می‌خواهیم امیرالمؤمنین را یاری کنیم، باید ورع، اجتهاد، عفت و سداد داشته باشیم.»

دکتر محمدیان در ادامه، این سازمان را دستگاهی تحول آفرین دانسته و ادامه داده‌اند: «من خودم و شما را ثروتمندترین آدم‌ها در کشور می‌دانم. ثروتمند کسی است که افکار مردم در دستش باشد. وقتی شما در این سازمان برای ۱۳ میلیون دانش آموز، ۱۳۰ میلیون نسخه کتاب و ۴۰ میلیون مجله تولید می‌کنید و دانش می‌پراکنید، آیا ثروتمندترین آدم‌ها نیستید؟

وظیفه‌ی ما به‌عنوان این دستگاه، دمیدن روح دینی، علمی و ملی در مخاطبان است. ما وظیفه داریم این روح را در نسل آینده بدمیم و هویت مخاطبان خودمان را هویت دینی، ملی، انقلابی و علمی بکنیم. این لایه‌های هویتی در دانش آموز ما باید بارور شود و توسعه پیدا کند. نسل آینده‌ی ما باید به ایرانی بودن، به مسلمان بودن و به انقلابی بودن خودش افتخار کند. به اینکه دانش آموز است و می‌آموزد علاقه‌مند باشد. حرف دیگر من این است که اعمال سلیقه‌ی فردی جایز نیست. آدم فرهنگی باید رنگ نپذیرد و مارک نخورد. ما فرزند برهانییم. اگر حرفی برهان باشد، قبول می‌کنیم.

مطلب بعدی این است که در مجلات، که تولیدات مهم سازمان‌اند، لازم است به اصولی که عرض می‌کنم توجه کنید. به اعتقاد من، همه‌ی اعتقادات یک ملت در آموزش و پرورش متجلی می‌شود. آموزش و پرورش ترجمان اصول اسلام و ایران و انقلاب است. بچه‌های ما آن چنان که ما آرزو می‌کنیم بزرگ نمی‌شوند، بلکه آن چنان که ما زندگی می‌کنیم بزرگ می‌شوند. توجه کنیم که خوب زندگی کنیم. ما می‌نویسیم برای بچه‌هایمان. می‌نویسیم برای ساختن آینده. باید تألیفات سازمان مقید به اهداف تعلیم و تربیت و برنامه‌ی درسی باشند. آن چیزی که ما الان در آن قرار گرفته‌ایم، گفتمان غالب ماست. ما باید در مجموعه‌ی سازمان پژوهش به این گفتمان غالب توجه کنیم و آن تحول است. وضع آموزش و پرورش ما رو به بهبود است، اما بهینه نیست.

حرف دیگر من این است که مطالب مورد نیاز مخاطب را مطرح کنیم و دارای اولویت باشد. ما برای مخاطب می‌نویسیم. مجلات باید مخاطب خود را تعیین کنند. یکی از چیزهایی که ما در مجلات مربوط به معلمان باید به آن توجه کنیم، این است که با توجه به الگوی برنامه‌ی درسی ملی تغییرات را اعمال کنیم. معلم در برنامه‌ی درسی ملی انتقال‌دهنده‌ی مطلب نیست، نقش تولیدکننده‌ی محتوا دارد. معلم یعنی راهبر آموزشی و الگوی تربیتی کلاس. ما فضاهای متنوع آموزشی را در برنامه‌ی درسی ملی پیش‌بینی کرده‌ایم. دانش آموز گاهی نیاز دارد بیرون از کلاس یاد بگیرد. معلم باید جرئت و جسارت و اختیار این کار را داشته باشد. معلم باید برای اداره‌ی کلاس توانمند باشد. همه‌ی ما می‌گوییم امکانات بدهید تا کار کنیم، در حالی که مدیر تحول‌گرا خلق امکانات می‌کند، نه اینکه اسیر محدودیت‌ها شود. محدودیت‌ها نباید مانع پرواز ما باشد. به شرطی که برنامه‌ی مطابق با واقع داشته باشیم، نه رویا و خیال. وهم با عقل تفاوت دارد. اگر بخواهیم به این کمال برسیم، باید رهبران پیشرو داشته باشیم. شما باید شوراهای سردبیری و شوراهای تحریریه‌تان کمی جلوتر از زمان حرکت کنند. باید خودترمیمی داشته باشید. مثل دیروز فکر نکنید. ما باید آسیب‌شناسی کنیم. باید از مخاطبان بازخورد بگیریم. یکی از فکرهایی که من دارم، این است که زبان‌های اقوام مختلف ایرانی را آموزش دهیم. این‌ها باید با هم داد و ستد داشته باشند. مجله برای تقویت هویت ملی و اسلامی ماست. باید به زبان اقوام حرمت بگذاریم و زبان فارسی را به رسمیت بشناسیم. یکی از بحث‌های جوهری مجله، بحث اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی امر مهمی برای ماست...»



محمد گلچین - هفتمین جشنواره‌ی عکس رشد



محمد گلچین - هفتمین جشنواره‌ی عکس رشد



علیرضا وحید - هفتمین جشنواره‌ی عکس رشد

پای صحبت‌های
دکتر علی
ذکاوتی قراگوزلو
**روی
منزلت
شغل**

محمود اردو خانی

معلم



اشاره

در این بخش از مجله با بزرگان تعلیم و تربیت و استادان حوزه یا دانشگاه هم‌نشین می‌شویم تا بتوانیم راهنمایی‌ها و نظرات آن‌ها را در زمینه‌های مورد نیاز دوره‌ی ابتدایی جویا شویم. در اولین شماره، با آقای دکتر علی ذکاوتی قراگوزلو، پژوهشگر و دانشیار دانشگاه خوارزمی و مدرس حوزه‌ی علوم تربیتی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. ذکاوتی مجری هفت طرح ملی است، مانند مشارکت معلمان و دبیران (وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۰؛ مقایسه‌ی نظام‌های تربیت معلم ۱۳۸۳، مجری طرح ارزشیابی آموزش ضمن خدمت معلمان. علاوه بر آن‌ها مجری طرح آسیب‌شناسی تربیت دینی و آسیب‌شناسی فرهنگی از نگاه قرآن مجید در چهار مجلد است که پژوهش برگزیده شناخته شد. انجام چندین مأموریت و خدمت داوطلبانه (یا گاه از طرف دانشگاه یا در تشکلهای مجامع یا سازمان‌ها) در قالب کارگاه‌ها و خدمات رایگان مقاله‌نویسی و ویراستاری، داوری کتاب، داوری پژوهش سال و داوری پژوهش بین‌المللی نیز از فعالیت‌های او هستند. ذکاوتی در انجمن ایرانی تعلیم و تربیت انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران، انواع خدمات افتخاری علمی و مشاوره‌های تربیتی نیز داشته است. هم‌چنین سردبیر مجله علمی - پژوهشی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت بوده است (از سال ۱۳۸۳).

ارزیابی شما از

تأثیرات و روند آموزش علوم تربیتی در آموزش و پرورش در سه دهه‌ی اخیر چیست؟

به نظر من، آموزش و پرورش به قدری مهم است که اگر برای تأمین آن از خارج وام بگیریم، ضرر نکرده‌ایم، چون نتایج آموزش و پرورش، آنی و کوتاه‌مدت میان مدت و بلندمدت است.

بعد از صحبت‌های بنده حتی در سطح وزارت خانه، صحبت‌های مفصلی در مورد اقتصاد آموزش و پرورش شد که خود این بحث یک بخش از ماجراست. بخش دیگر این است که ما همیشه در گیر منابع ناپایدار هستیم که باعث می‌شود نتوانیم برنامه‌ریزی کنیم.

این نظریه‌ای کلاسیک است و بنده این حرف را قبول ندارم که به دلیل ناپایدار بودن منابع نمی‌توانیم برنامه‌ریزی

کنیم

باید دید

پایدار و ناپایدار چیست؟ من پایدار و ناپایدار را امری فرهنگی و روانی می‌دانم. یعنی شما در نظر بگیرید ما دوره‌ی تمدنی داشتیم که افراد و حتی نخبه‌ها، شهر و دیار خود را رها می‌کردند و به دنبال علم شهرها را در مسیرهای سخت و خطرناک پشت سر می‌گذاشتند. آن‌ها فقط به دنبال علم بودند، بدون هیچ درآمد و پیشینه‌ای.

به نظرم دو نقطه‌ای اتکا داشتند؛ یکی نیروی درونی خودشان و احتمالاً پیوند درونی‌شان با خدا و دیگری اطمینان به اینکه هر جا بروند جامعه آن‌ها را تنها نمی‌گذارد. یعنی جامعه با اهل علم همراه بود. ای کاش امروز هم این حس را داشته باشیم که وقتی دانشجویان برای تحصیل به شهرهای جدید مهاجرت می‌کنند،

مردم

به عنوان

پناهگاه، خانه‌ی خود را به آن‌ها بدهند، نه اینکه خانه‌ی اجاره‌ای هم به سختی گیرشان بیاید. مردم غرب، بعد از جنگ جهانی دوم، نخبه‌های کشورهای دیگر را برای زندگی در خانه‌هایشان پذیرفتند و حتی خیلی مواقع هزینه‌ی زندگی آنان را هم تأمین می‌کردند. این موضوع در خاطرات هزاران نفر از استادان اشاره شده است.

بنابراین، باید ببینیم منابع پایدار برای آموزش و پرورش چیست؟ باید روی منزلت شغل معلمی کار کنیم. مجموعه‌ی آموزش و پرورش و دانشگاه باید کار کنند. مشکلات آموزش و پرورش راه‌حل‌های دشواری ندارد. این راه‌حل‌ها گران‌قیمت هم نیستند. من به عنوان محقق اجتماعی، در این باره چند مطلب را عرض می‌کنم.

بهبتر

است به

این موضوع قدری میان رشته‌ای نگاه کنیم. یعنی تربیت را بسته‌ی مشخصی نبینیم، تربیت یک محصول و مانند یک موتور پیچیده است. تربیت مثل میوه‌ای آماده نیست، یک فرایندی است با پیچیدگی. بخش مهم این تربیت در سازمان آموزش و پرورش انجام می‌شود. آموزگار باید راضی باشد. رضایت هم فقط پول نیست، یک شکل خیلی دمدستی آن پول است. سازمان آموزش و پرورش باید به کارکنان خود احساس رضایت بدهد و هر کس در آن شاغل است، باید احساس رضایت بکند. باید دید رضایت در کجا مخدوش شده است. برای این کار باید دید از کجاها شکایت شده است. شکایات‌ها سر به هزاران است، اما باید آن مواردی را که تکرار شده‌اند،

مثلاً از نحوه‌ی امتحانات، شکایات از درون سازمان و از بیرون سازمان را در نظر گرفت؛ با توجه به فراوانی و اهمیت موضوع می‌توان معیارها را یافت.

تأثیرگذاری بررسی شکایات‌ها و خروجی آن، از نظر تربیتی چه تأثیری بر دانش‌آموزان و نوع آموزش آن‌ها دارد؟

باید بعد از بررسی‌ها راه‌حل را پیدا کرد. من می‌گویم، برای درک تأثیر آنی، به‌عنوان مدیر یا معلم، اگر بدانید سیستم عادلانه و با انصافی شما را با دیدی منصفانه می‌بیند، آیا این موضوع در رفتار تان تأثیری نمی‌گذارد؟ آیا آن معلم، در همان روز در کلاس درس خوش‌رفتار و خوش‌برخورد نمی‌شود؟

آیا با راننده تاکسی یا خانواده‌ی خود بهتر رفتار نمی‌کند؟ رابطه‌های انسانی خیلی مهم هستند. معلم باید احساس عدالت و انصاف و ادراک عدالت سازمانی کند. مثلاً بگویند من در جایی هستم که پول در آن زیاد نیست، ولی آدم‌هایی هستند که درد انصاف دارند، درد عدالت دارند. باید از جایی که کار می‌کند حظ درونی و احساس خوبی داشته باشد. این خیلی مهم است.

نقش همدلی و صمیمیت بین خانواده، دانش‌آموز و معلم در پیشبرد اهداف تربیتی آموزشی چیست؟

یکی از ایجادکنندگان همدلی سازمان است.

بنده می‌گویم، ما بیاییم کاری کنیم که از درون سازمان همدلی، شادی و رضایت بیشتر بشود. می‌گویم، از درون سازمان هزار شکایت مهم را که تکرار شده‌اند، به

پژوهشکده‌ها پیشنهاد کنیم، البته با توجه به اینکه فرض و سؤال ما ادراک عدالت سازمانی است.

ساز و کار محتوا را در تعلیم و تربیت دبستانی چگونه می‌بینید؟

فرض ما براین است که محتوای آموزش و پرورش با ساز و کارهای خوبی اجرا می‌شود.

البته ممکن است مردم روی محتوا هم حرف داشته باشند. مثلاً اینکه در کتاب‌ها مسائلی هست که زندگی را ترجمه نمی‌کنند، زندگی را هدایت نمی‌کنند و بازنمای واقعی و جاری نیستند. اگر چنین است، چه باید بکنیم تا آن را پیدا کنیم!

باید سنجید و دید که محتوا کفایت و تناسب و ارزش اندازه‌ی وزنی را که نظام تا کنون به آن داده است دارد یا نه قابل حذف است! در رابطه با محتوا و ساز و کار باید بدانیم که رسانه یا سازمان آموزش و پرورش ظرف هستند. اگر آن‌ها خوب باشند ولی ما به آن‌ها محتوای بد بدهیم، آیا باز هم خوب کار خواهند کرد؟ همچنین عکس آن، یعنی سازمان آموزش و پرورش ناکارآمد با محتوای خوب چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ یک قدم جلوتر چیست؟ سازمان و عنصر اصلی آن آدم‌ها هستند. یعنی شما در هر حال با چیزی به نام انسان روبه‌رو هستید. حالا این انسان کرامت وجودی خود و آزادی خود را قبول دارد و خودش آدم با اخلاقی است و توانایی همدلی دارد. پس دوباره بحث کانونی ما می‌شود آن آدم‌ها. در واقع این ظرف و مظروف یکی است و آن انسان است. یعنی آن تناقض ظاهری، تحلیلی و ابتدایی ظرف و مظروف از بین می‌رود. چون هر دو

در چیزی به نام انسان یگانه می‌شوند. در چیزی به نام تصمیم‌گیری انسان یگانه می‌شوند. یعنی در آخر شما کسی هستید که تصمیم می‌گیرید.

نقش خانواده و معلم اهل مطالعه و تأثیر آن در آموزش و تربیت دانش‌آموز چیست؟

قبل از هر چیز باید بدانیم که این یک اخلاق است. اگر من پرسش داشته باشم، اهل مطالعه خواهم شد. چه کسی پرسش دارد؟ آن کسی که برای خودش شأن انسانی قائل است نه شأن مُقلد. من نمی‌دانم را آدم دانا و با شخصیت می‌گوید. آدم خجالتی که از ندانستن خجالت می‌کشد، انسانی قوی نیست. یعنی برای مطالعه کردن باید به درجه‌ای از اخلاق رسید؟

بله، حالا چیزی قوی‌تر از اخلاق، ما سه سطح داریم. یکی رفتار است. مثلاً شما به من می‌گویید وقتی دوست من آمد، چون مشکل جسمی دارد، شما به آن مشکل اشاره‌ای نکنید. می‌گویم چشم و یک ساعت خودم را کنترل می‌کنم. تأثیر رفتاری من یک ساعت است و تمام می‌شود. اما زمانی شما تأثیر اخلاقی روی من می‌گذارید؛ یعنی سطحی قوی‌تر. این سطح چیست؟ این است که من تصحیحی نگرشی در خودم ایجاد می‌کنم و می‌گویم این انسان مشکل جسمی دارد. چرا باید او را کم یا ناچیز و بی‌اهمیت بشمارم. این تأثیر اخلاقی است. و من همیشه سعی می‌کنم که خوب باشم. یک سطح قوی‌تر از این سطح، سطح وجودی است، یعنی به خلقت انسان، انسانیت، و خود حرکت و به زندگی و به زنده بودن - ولو اینکه یک گنجشک بیمار یا چابک باشد - احترام قائل باشم.

یعنی نتوانم به آن توهین کنم. پس نحوه‌ی وجودی تفاوت آن با اخلاق و رفتار یعنی سه لایه از ساده به مشکل را می‌گویم. ممکن است در برخورد با بچه‌ای هفت ساله که جسور یا از سنش عاقل‌تر است و سؤالی دارد، شما به او بگویید حالا صبر کن و بروید برایش دو جلد کتاب بخرید یا معرفی کنید، اما او غروری وجودی داشته باشد. یک شأن وجودی که باعث می‌شود بگوید خودم هم باید انتخاب کنم. اگر کسی چنان باشد که بگوید من خودم انتخاب می‌کنم، او کسی است که می‌رود خودش مطالعه می‌کند. البته این حدنهایی است.

ما می‌توانیم از سطح رفتاری شروع کنیم. یعنی پدر و مادر یا بزرگ‌تری باید باشد که خصوصاً محبوب هم باشد حتی اگر او با کتاب بازی بازی هم بکند، این برای بچه و دانش‌آموز خوب است. خوشبختانه ما الان از نظر مدنی داریم به پرسش می‌رسیم. ما به تمام تلاطم‌ها و مشکلاتی که داشتیم به این حد مدنیت رسیده‌ایم یا داریم می‌رسیم؛ یعنی انسان ایرانی و جوان ایرانی همه دارند این حس را پیدا می‌کنند که پرسش برای آن‌ها مهم می‌شود. چون پرسیدن برای آن‌ها حیثیتی شده است که فکر می‌کنند اگر ندانم، چیزی کم دارم و اگر بدانم آدم‌تر هستم. این هویت انسانی و هویت بسط یافته است.

نقش تربیتی و آموزشی معلم در این رابطه را ویژه می‌دانید؟
بله. نقش معلم مهم است، ما روی ارزشیابی‌ها باید خیلی کار کنیم. رفتارهای آموزگار در کلاس و ارتباطش و اینکه چه چیزی را تشویق کند مهم است. اگر او سؤال را، حتی اگر

بسیار سخت و به‌نظرش بد باشد، تشویق کند، خوب است. بچه‌ها را پرسشگر تربیت کنیم و به آن‌ها غرور بدهیم. شما وقتی بین دو نفر رقابت ایجاد می‌کنید، در واقع هویت آن دو را به شکست می‌کشانید. کسی که در رقابت شکست خورده است، زخمی شده و شخص پیروز هم غروری کاذب به‌دست آورده است. به‌علاوه اینکه اضطراب شکست از دیگری را هم دارد. این‌ها به درد نمی‌خورند. هویت اینجا بیمار می‌شود. این است که در جامعه‌ی ما وقتی شغل فردی آشپز می‌شود، نمی‌خواهد بهترین آشپز دنیا بشود. سعی می‌کند با خواندن دو کلاس درس بشود نگهبان ساختمان و نگهبان هم سعی می‌کند بشود کارمند. این‌ها ریشه‌اش بی‌هویتی و بی‌غروری است. می‌گویند آشپز فلان رستوران معروف خودش را در حد رئیس جمهور فلان کشور می‌داند. و واقعاً هست. اما کدام آشپز ما هست که بگوید در حد وزیر و مدیر کل هستم. فقط دوست دارد آشپز رسمی فلان اداره‌ی کل باشد. یعنی همه چیز برمی‌گردد به طبقه‌بندی مشاغل. مثلاً می‌گوید من بشوم تعمیرکار! ما عظمتی را که شغل تعمیرکاری دارد نمی‌فهمیم.

غرور مثبت یا نام دیگری برای آن می‌گذارید؟

کرامت انسانی. غرور مثبت خوب است. غرور اگر شیطانی باشد، بد است. مناعت انسانی خوب است.

نقش سیستم‌های مجازی در رفتار و تربیت و آموزش چیست؟

نگاه کنید دنیای مجازی چه می‌کند. دنیای غیرواقعی را آن قدر جدی می‌کند که از واقعی هم واقعی‌تر می‌شود. ما در

آمارها داریم که خانمی، به دلیل ارتباطات مجازی بسیار، گفته است اول فرزندم را دوست دارم، بعد تبلت و بعد شوهرم را. این مسئله دارد قوی‌تر هم می‌شود. به‌خودی خود چه اشکالاتی دارد؟ یک بُعد آن این است که دنیای شما را وسیع می‌کند، ولی دنیای وسیعی که من نمی‌توانم آن دخالت عاقلانه و آگاهانه و کنش‌گرایانه داشته باشم، به چه درد می‌خورد؟ چون کم‌عمق است و خیلی وقت‌ها ناشناخته و مخدوش، نمی‌دانم طرف من کیست. یک بُعد آن این است که شما راحت و آزاد هستید، اما این آزادی و راحتی آسیب هم می‌رساند. برای اینکه طرفتان را نمی‌شناسید تا حدود مسئولیت‌شناسی او را هم بدانید. نقش آموزگار در این زمینه خیلی مهم است. معلم باید محبوبیت و اعتبار خودش و زیبایی ارتباطش را بالا ببرد تا حداقل دانش‌آموزان در کلاس از این فضا فاصله بگیرند. کافی نیست معلم ما به لحاظ اخلاقی و رفتاری معلم باشد، او باید اصالتاً معلم باشد. ما در گزینش‌ها حداکثر رفتارها را می‌سنجیم که خیلی وقت‌ها منفی است، یعنی وقتی این معلم سر کلاس می‌رود، یک آدم دیگر است و مانند ربات است و نمی‌تواند ارتباط انسانی لازم را ایجاد کند، از دانش‌آموز جداسازی. ما باید تکلیفمان را با معلمان روشن کنیم. معلمی باید یک نشانه و برند معتبر و قابل بالیدن باشد. خیزش و شوق وجودی باید در معلم ایجاد شود. همواره باید از ترین‌ها بگوییم. باید بهترین مهربان‌ترین، خوش‌رفتارترین و تمیزترین باشیم و بخواهیم. در این صورت، بهترین مجلس دنیا و بهترین معلمان دنیا را خواهیم خواست و خواهیم داشت.



فعالیت‌های دبستان شهید حمید درویش

دست در دست هم بارشد

ناصر بنی‌علی
عکس: غلامرضا بهرامی

اشاره

نشست سالانه‌ی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در سال جاری، مصادف شد با برنامه‌ای ویژه که یکی از دبستان‌های تنکابن انجام داده بود.

انعکاس این رویداد از چند جهت مهم است. ابتدا به دلیل حضور ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که راهبردهای سازمان و این دفتر را تبیین می‌کنند. در مراحل بعد اینکه بخشی از بدنه‌ی آموزش و پرورش کشور هم‌اندیشی داشته و مهم‌تر اینکه امسال مخاطبان اصلی ما یعنی آموزگاران، دانش‌آموزان و نیز مسئولان محلی در آن حضور داشتند.

اما در این سال دبستان شهید حمید درویش دست به ابتکاری جالب توجه زده بود. «فراخوان بهره‌برداری از مجلات رشد در تنکابن» که ما در این فرصت گزارشی کوتاهی ارائه خواهیم کرد.

افزون بر فعالیت‌هایی که معرفی شد، آموزگاران این دبستان دست به قلم هستند و درباره‌ی تأثیر مجلات رشد بر کیفیت تدریس خود توضیحاتی نیز نوشته‌اند.

مهمین یزدانی
مدیر دبستان
شهید حمید
درویش

از اهداف ما ایجاد انگیزه در مطالعه‌ی مجلات رشد و استفاده از ایده‌های موجود در این مجلات است. به این طریق ما به پرورش حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت در دانش‌آموزان نزدیک‌تر می‌شویم. دیگر اینکه همکاران و اولیای دانش‌آموزان نیز با مدرسه و برنامه‌های آن هم‌سوتر می‌شوند.

در بازدید از نمایشگاه خواهید دید که همکاری میان آموزگاران، معاونان دبستان و مادران دانش‌آموزان به‌ویژه در بخش آشپزی و دست‌سازها بسیار بالا بوده است.

ضمن تشکر از همه به ویژه مسئولان تنکابن به همکاران عزیزم توصیه می‌کنم در بهبود شیوه‌های تدریس از مجلات به‌عنوان مکمل آموزشی بهره ببرند.

مینو
لزر عشوری،
آموزگار پایه‌ی سوم

یکی از خاطرات جالب که از مجله‌ی رشد دارم، به شماره‌ی ۹۴ مجله‌ی دانش‌آموز مربوط می‌شود که پخت ماکارانی با گوجه، زیتون، پیاز و گوشت را انتخاب کردیم، چون درباره‌ی درس علوم بود و دانش‌آموزان را با گروه‌های مواد غذایی آشنا می‌کرد. بچه‌ها را گروه‌بندی کردیم. هر کس در حد توان خود مواد موردنیاز را تهیه کرد و برای جلسه‌ی بعد آورد. همگی برای آماده کردن این غذا تلاش کردند و آن را در کلاس آماده و نوش جان کردند. عکس گرفتیم و به دانش‌آموزان و من خیلی خوش گذشت.

فاطمه
گلین حسین پور،
آموزگار پایه‌ی دوم

معصومه
رحیم پور
آموزگار پایه‌ی چهارم

ابتدا

اهداف کلی تعلیم و تربیت کشورمان را که بیشتر به اهداف عملی و آموزشی نظر دارد، برای بچه‌ها بیان کردم. یک روز زنگ هنر از بچه‌ها خواستم موضوع نجات دادن گل صفحه‌های ۱۵ و ۱۴ را با پانتومیم نمایش دهند. ۹ دانش‌آموز انتخاب شدند. روی سینه‌ی هر کدام یک شماره از ۱ تا ۹ قرار دادیم. بچه‌ها نمایش را خیلی زیبا در کلاس اجرا کردند. آن روز کلاس شور و هیجان خوبی داشت. با این کار توانستم بچه‌ها را به نمایش پانتومیم علاقه‌مند کنم و احساس خوشی به من دست داد، چون هم بچه‌ها را به مجله و توجه به آن جلب کردم و هم آن‌ها نوعی هنر را یاد گرفتند. در زنگ انشا هم گاهی اوقات از بچه‌ها می‌خواهم جدول‌های مجله را حل کنند، چون با این کار هم گنجینه‌ی لغات آنان تقویت می‌شود و هم آن‌ها به تفکر و جست‌وجو وادار می‌شوند.

از آنجایی که دانش‌آموزان به غیر از آموزش کتاب‌های درسی باید اطلاعات دیگری نیز داشته باشند و در همه‌ی زمینه‌ها پرورش یابند، مجلات رشد یکی از مواردی است که در این زمینه می‌تواند ما را به اهداف موردنظر نزدیک کند. لذا اقدامات زیر را می‌توان در کلاس، در اوقات فراغت و بعضی از ساعات هنر و بخوانیم اجرا کرد.

۱. حل کردن جدول مجله توسط دانش‌آموزان و هم‌فکری با هم؛
۲. خواندن شعرهای مجله در کلاس؛
۳. انتخاب موضوعات نقاشی از بعضی مباحث مجله؛
۴. خواندن داستان‌های مجله توسط دانش‌آموزان و بازگویی به صورت خلاصه برای سایر دانش‌آموزان؛
۵. آوردن وسایل موردنیاز برای ساختن دست‌سازهای موجود در مجله؛
۶. توجه دادن دانش‌آموزان به موارد بهداشتی مندرج در مجله، با طرح موضوع برای نقاشی و داستان‌نویسی؛
۷. رعایت موارد عنوان شده در مورد تغذیه‌ی سالم برای حفظ سلامتی؛
۸. ترغیب دانش‌آموزان برای ساخت تابلوهایی با مضمون بهداشت فردی، تغذیه‌ی سالم، جسم سالم و ... و نصب در کلاس برای استفاده‌ی همه‌ی دانش‌آموزان؛
۹. برگزاری مسابقه‌ی نقاشی از موضوعات مجله‌ی رشد؛
۱۰. روخوانی از بعضی قسمت‌های جذاب مجله توسط دانش‌آموزان برای تقویت روخوانی و روان‌خوانی دانش‌آموزان.

تفکر، تعقل و حکمت، و جایگاه هر یک در هویت وجودی آدمی

پله پله سیر کن

حجت الاسلام دکتر علی لطیفی

کلیدواژه‌ها: تفکر، حکمت و پژوهش
اشاره

مقاله‌ای که پیش‌رو دارید، اولین مقاله از مجموعه مقالات درباره‌ی مفهوم تفکر، انواع آن، انتظارات عملکردی و روش‌های پرورش تفکر در برنامه‌ی درسی تفکر و حکمت، کتاب‌های تفکر و پژوهش و تفکر و سبک زندگی است. برای ورود به چنین مباحثی، آشنایی با اصطلاحات و تعاریف واژه‌های کلیدی برنامه، مانند تفکر، تعقل و حکمت، ضرورت دارد.

واژه‌های «عقل» و «حکمت» در فرهنگ اسلامی دامنه‌ی معنایی بسیار گسترده‌ای دارند که پرداختن کامل به آن‌ها در چنین نوشته‌ای، نه ممکن است و نه مطلوب. در عین حال، این نوشته‌ی کوتاه تلاش خواهد کرد با استفاده از دستاوردهای علمی و پژوهشی حکمای مسلمان به روشن‌نگری برخی از مهم‌ترین معانی این واژه‌ها و ابعاد آن‌ها بپردازد.

عقل

انسان‌ها همان‌گونه که در برخی آثار و ویژگی‌ها با دیگر موجودات مشترک‌اند، از ویژگی‌هایی اختصاصی نیز برخوردارند. هر دسته از این ویژگی‌ها و آثار، از یک قوه یا نیروی درونی (یا به تعبیر دقیق‌تر، مرتبه‌ای از مراتب وجودی) انسان نشئت می‌گیرند. مهم‌ترین وجه تمایز انسان با موجودات بی‌جان و جان‌دارانی همچون گیاهان و حیوانات، برخورداری وی از نیرویی است که به واسطه‌ی آن می‌تواند مفاهیم، قضایای کلی، باورها و حقایق متعالی را درک کند. این نیرو که یکی از شریف‌ترین نیروهای وجود آدمی است، به زبان ساده «عقل» یا همان نیروی تعقل نامیده می‌شود.

این نیرو که در اصطلاح با عنوان «عقل نظری» نیز شناخته می‌شود، در مراتب سطحی و ابتدایی، حقایق را صرفاً به واسطه‌ی مفاهیم و معانی ذهنی و «استدلال» می‌شناسد. این نحوه‌ی

ادراک با واسطه، در اصطلاح فلسفه‌ی اسلامی «علم حصولی» نامیده می‌شود. عمده‌ی علوم و دانش‌های ما علوم حصولی هستند، چرا که مفهومی‌اند. این دانش مفهومی، در صورتی که عمیق‌تر شود و به جان آدمی نفوذ کند، از «علم» به «عقیده» و «باور» تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، عقیده عبارت است از گره خوردن یک حقیقت به جان انسان. «عقل عملی» یکی دیگر از قوای اختصاصی انسان است که مهم‌ترین کارکرد آن، از یک سو شناخت امور پسندیده و ناپسند، و از سوی دیگر تدبیر و مدیریت مناسب دیگر نیروهای درونی و بیرونی انسان برای تحقق این امور پسندیده است. «امور پسندیده و ناپسند» شامل «حالات و ملکات نفسانی» و «افعال و رفتار» است. به بیان دیگر، وظیفه‌ی «عقل عملی» تشخیص امور نیکو و پسندیده، درونی کردن حالات پسندیده و ملکات فاضله‌ی انسانی و نیکوکاری است.

تفکر

«تفکر» در سنت فلسفه و حکمت اسلامی حداقل سه معنا و زمینه‌ی کاربرد دارد. در معنای نخست، «تفکر» کار ویژه‌ی نیرویی به نام «مُفکره» است که تحت نظارت «عقل نظری» فعالیت می‌کند و وظیفه‌ی آن، جست‌وجو و سیر میان اطلاعات و معلومات و استفاده‌ی مناسب از آن‌ها به منظور معلوم کردن یک مسئله‌ی مجهول است. می‌توان گفت «استدلال» - که پیش از این بدان اشاره شد - یکی از جلوه‌های بیرونی این سیر درونی است. تفکر در این معنا یاریگر و خادم «عقل نظری» است و در شناخت حقایق در سطح دانش «حصولی» و مفهومی به ما یاری می‌رساند. در معنای دوم، مقصود از «تفکر» نوعی تأمل و تدبیر در موقعیت و هنگامه‌ی عمل است. این نوع تفکر با تشخیص وظیفه یا فعل پسندیده در موقعیت پیش‌رو، ما را در انتخاب مناسب‌ترین گزینه در هنگام اقدام یاری می‌کند. این معنا از تفکر از مهم‌ترین وظایف



دو ویژگی اختصاصی انسان نسبت به دیگر موجودات، بر خور داری وی از دو قوه یا نیروی «عقل نظری» و «عقل عملی» است

حکمت

در بیانی ساده، می‌توان «حکمت» را «سعادت و کمال نهایی انسان» توصیف کرد. در سنت فلسفه‌ی اسلامی، کمال و سعادت نهایی هر موجودی برحسب داشته‌ها و ویژگی‌های اختصاصی وی تعریف می‌شود و با توجه به برخورداری انسان از دو ویژگی «عقل نظری» و «عقل عملی»، «حکمت» به معنای کمال و نهایت شکوفایی این دو نیرو خواهد بود؛ کمال عقل نظری در آن است که به حقایق هستی (خصوصاً حقایقی که در سعادت وی تأثیر گذارند)، شناخت و معرفت قطعی و یقینی و بلکه باور و ایمان عمیق داشته باشد و کمال عقل عملی در آن است که در تمامی موقعیت‌ها، آنچه را بایسته و پسندیده است، به درستی تشخیص دهد و به آن عمل کند. انسان حکیم کسی است که از یکسو «حقیقت بین» است و از سوی دیگر «تیکوخلصت» و «تیکوکردار». به همین خاطر است که بالاترین مراتب حکمت در انسان‌ها، از آن پیامبران و اولیای الهی (علیهم‌السلام) است و دیگر افراد بشر، صرفاً به همان میزانی که در این دو جهت موفق گشته‌اند، به «حکمت» آراسته می‌شوند.

شایان ذکر است، در برنامه‌ی درسی تفکر و حکمت و کتاب‌های تفکر قرار نیست دانش‌آموزان چنین مفاهیم و تعاریفی را حفظ کنند، بلکه از طریق انجام فعالیت‌هایی، قوای عقل نظری و عملی در آنان پرورش می‌یابد. در مقالات بعدی، با مصداق‌های عملی این فعالیت‌ها در پرورش تفکر، تعقل و حکمت بیشتر آشنا می‌شوید.

«عقل عملی» است و تحقق مناسب آن، علاوه بر اینکه بر بعضی شناخت‌های عقل نظری (خصوصاً شناخت‌هایی درباره‌ی صفات و ملکات نفسانی و افعال پسندیده و ناپسند و روابط آن‌ها با یکدیگر) متکی است، به برخورداری از صفات و ملکات نفسانی متناسب با افعال پسندیده و تجربه و مهارت در تحلیل و بررسی موقعیت نیز نیاز دارد. سومین معنای «تفکر»، نوعی تأمل و تدبر در هستی خود و دیگر موجودات، به عنوان «نشانه»‌های وجود و حکمت خداوند و رهنمون شدن از «نشانه» به سوی «صاحب نشانه» است. این نوع تفکر که گاهی از آن به «تفکر در آفاق و انفس» یاد می‌شود، نوعی تفکر طولی، بصیرت‌افزا و باطن‌بین است که در جهت‌بخشی و تعمیق شناخت‌های نظری انسان از یک سو، و هدایت صحیح عقل عملی در تشخیص و اقدام مناسب از سوی دیگر نقش بسزایی دارد. واژه‌های «تفکر» و «تدبر» در آیات قرآن در موارد قابل توجهی به این گونه تفکر ناظرند.

تعقل

همان‌طور که بیان شد، دو ویژگی اختصاصی انسان نسبت به دیگر موجودات، برخورداری وی از دو قوه یا نیروی «عقل نظری» و «عقل عملی» است. غالباً تعقل در معنای اصطلاحی آن کارکرد اختصاصی «عقل نظری» است، یعنی تلاش برای ادراک حقایق کلی و متعالی (هم در مراتب سطحی و «حصولی» آن و هم در مراتب عمیق‌تر آن). در اینجا توجه به دو نکته ضروری است: نخست آنکه مقصود از «حقایق» در اینجا اطلاعات و معلومات روزمره و موقت نیست، بلکه از پدیده‌ها و روابطی سخن می‌گوییم که واقعیت و هویت هستی و موجودات آن را بر ما آشکار می‌سازند. نکته دوم آنکه حکیم مسلمان، هنگامی که با منظری الهی به جهان می‌نگرد، تمام حقایق هستی را جلوه‌های حقیقت مطلق می‌بیند که تنها در پناه رابطه با او و اسما و صفاتش معنی و تحقق دارند.

بررسی قصه در قرآن کریم

خداوند قصه گو

ناصر نادری

بر همین اساس، ابعاد اعجاز و جاودانگی قرآن کریم، علاوه بر «جاذبه‌ی معنوی» (معنایی) - که مفسران همچون غواصانی قرن هاست در کند و کاو اعماق آن غوطه‌ورند - دارای جاذبه‌ی زبانی (هنری) است.

اهداف قصه‌گویی در قرآن

قصه‌های قرآن برای سرگرمی و لذت هنری محض نیامده‌اند، بلکه منظور از آن‌ها «هشدار» (انذار)، «عبرت گرفتن» (اعتبار) و بیان اصول و احکام و نکته‌های تربیتی و اخلاقی است.

دلایل قصه‌گویی در قرآن عبارت‌اند از:

- تربیت و آموزش و بیان حقایق برای هدایت بشر با شیوه‌ی مؤثر قصه‌گویی؛
- استفاده از بهترین روش‌ها برای تفهیم جذاب و بیان مفاهیم سنگین عقلی در قالب مثال‌های محسوس که همانا ذکر مثال و روایت سرگذشت است.
- ایجاد جذابیت و کنش در مسیر مبارزه با تحریف‌های تاریخی، با استفاده از عنصر شیرین قصه‌گویی؛
- روایت حوادث تاریخی برای عبرت آموزی و اندیشه‌ورزی و انتقال تجربه‌ها و تبیین آموزه‌های متفن و راهگشا و زندگی‌بخش در قالب قصه و حکایت.

تفاوت قصه‌های قرآن با قصه‌های بشر

در یک تقسیم‌بندی، قصه‌ها سه گونه‌اند: واقعی محض، تخیلی محض و واقعی - تخیلی. قصه‌های قرآن از نوع اول (واقعی محض) هستند و حاصل تخیل (ساختگی) نیست. در حالی که قصه‌های بشر عمدتاً زاییده‌ی ذهن و تخیل او هستند. در قصه‌های واقع‌گرایانه (رئالیستی) نیز حوادث از کانال ذهن و خیال نویسنده، پردازش نو و خیالی می‌شود. قصه‌های قرآن توالی و تسلسل ظاهری ندارند و به ندرت یک قصه از شروع تا پایان در یک سوره آمده است. فقط داستان حضرت یوسف (ع) این گونه نیست؛ یعنی به شکل «تقطیع» (قسمت قسمت) آمده است. قصه‌های قرآن دقیقاً بر مبنای مستندات تاریخی و اصل «واقع‌گرایی» به روایت حوادث پرداخته‌اند.

اشاره

واژه‌های «قصه» و «قرآن کریم» برای شما آشنا هستند. اغلب شما همه یا برخی قصه‌های قرآن را می‌دانید. جالب است بدانید: حدود ۱۱۶ قصه و حکایت در قرآن وجود دارد و ۶۳ سوره از ۱۱۴ سوره‌ی قرآن کریم حاوی قصه و حکایتی است و این یعنی بیش از نیمی از سوره‌های قرآن کریم با هنر قصه‌پردازی به انتقال پیام پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، ۱۰۰۰ آیه در زمینه‌ی قصه و حکایت در قرآن کریم وجود دارد!

قصه و قصه‌گویی از مظاهر کهن فرهنگ و هنر بشر به شمار می‌روند و البته از ابزارهای مؤثر ارتباط و آموزش. این عنصر در انتقال تجارب پیشینیان به پسینیان و تبادل تجارب ملل به یکدیگر بسیار مفید بوده است.

به راستی چرا قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، که برای «هدایت معنوی» از جانب خدا فرستاده شده، به قصه و قصه‌گویی توجه کرده است؟ در صفحه‌ی «در ساحل قرآن» شما ضمن شناخت کلی از وضعیت قصه در قرآن کریم، در هر شماره از مجله با نکته‌های تربیتی و آموزشی یکی از قصه‌های قرآن آشنا خواهید شد. البته آنچه خواهد آمد قطره‌ای در برابر دریاست و آن نیز مرهون تلاش‌های علمی و سترگ برخی از پژوهشگران و نویسندگانی است که در حوزه‌ی قصه در قرآن و تفسیر قصه‌های قرآن از منظر تربیتی و... کوشیده‌اند.

چرا قرآن کریم قصه می‌گوید؟

قرآن کریم کتاب قصه نیست، بلکه کتاب «هدایت بشر» است و در صدد تعبیر و تفسیری معنوی و قدسی از هستی، انسان، ارزش و معرفت، و نیز آدمی را به مسیر خوشبختی جاودانه رهنمون می‌سازد. قرآن در این مسیر، در لابه‌لای آیاتش، «زبان عقل» و «زبان قلب» دارد؛ چرا که هم از قابلیت‌های براهین و استدلال‌های عقلی برای اقناع و باورپذیری مخاطبانش استفاده می‌کند و هم با بیانی ظریف و هنرمندانه، برای تأثیرگذاری در لایه‌های درونی وجود مخاطبان تلاش می‌کند و قصه‌گویی یکی از این روش‌هاست. به عبارت دیگر، قرآن می‌خواهد علاوه بر تسخیر دنیای ذهن بشر، به تار و پود احساس او نیز نقب بزند.

و چه نمایشی) فرق دارد. قصه در قرآن یعنی سرگذشت‌ها و داستان‌های واقعی از پیامبران و شخصیت‌های حق و باطل دوران گذشته و حوادث تاریخ اسلام. اینکه در قرآن عبارت «فَاقْصُصْ الْقِصَصَ» به معنی «(قرآن) بخوان و برگو) آمده، مؤید این است که در قرآن کریم «قصه‌گویی» وجود دارد نه «قصه‌نویسی».

قرآن چه قصه‌هایی گفته است؟

پژوهشگران حدود ۱۱۶ قصه و حکایت را در قرآن بر شمرده‌اند و برخی در طول قرن‌ها آن را به دو شکل «ترتیب تاریخی» یا «ترتیب قرآنی» در قالب کتاب‌های «قصص الانبیاء» یا «قصص القرآن»، گردآوری، بازنویسی، بازآفرینی و برخی همراه با تفسیرهای ادبی، تربیتی، عرفانی، تاریخی و... ارائه داده‌اند.

در قرآن کریم، قصه‌ی ۲۵ پیامبر و اقوام آن‌ها بیان شده است: قصه‌ی حضرت آدم، حضرت ادریس، حضرت نوح، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل، حضرت اسحاق، حضرت لوط، حضرت یعقوب، حضرت یوسف، حضرت ایوب، حضرت ذوالکفل، حضرت شعیب، حضرت موسی، حضرت هارون، حضرت داوود، حضرت سلیمان، حضرت یونس، حضرت الیاس، حضرت یسع، حضرت عزیر، حضرت خضر، حضرت زکریا، حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهم‌السلام.

بعضی از قصه‌های دیگر نیز عبارت‌اند از: قصه‌های اصحاب اُخدود، اصحاب ایکه، اصحاب حجر، اصحاب رس، اصحاب رقیم، اصحاب سبت، اصحاب فرعون، اصحاب فیل، اصحاب کهف، اصحاب مدین، ذوالقرنین، سپاه ابرهه، فرعون و هامان، قارون، قوم الیاس، قوم ثُبَع، قوم فرعون، مومن آل عمران، یاجوج و مأجوج، هابیل و قابیل.

منابع

۱. تحلیلی از قصص قرآن، محمد تقی ملبویی، امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۲. ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن، محمد حسینی، ققنوس. تهران، ۱۳۸۲.
۳. قرآن‌شناسی، محمد مهدی فولادوند، الست فردا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
۴. قرآن شناخت، بهاء‌الدین خرمشاهی، طرح نو. چاپ اول. تهران، ۱۳۷۴.
۵. داستان پیامبران (۲ جلد)، علی موسوی گرماردی، قدیانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.

این قصه‌ها با «گزینش حوادث و حذف جزئیات نقل می‌شوند و با «تکرار» (مکررگویی) برخی فرازهای تاریخی، درصدد القای مفاهیم خاص و عمیق هستند. البته تکرار این قصه‌ها با تعبیر گوناگون، به شکلی خلاق صورت گرفته است. در قصه‌های قرآن، اصالت با «محتوا» (پیام) است.

در ضمن، قرآن گاهی با مخاطب قرار دادن شخصیت‌های قصه‌های خود، آنان را زنده می‌انگارد.

از ویژگی‌های دیگر قصه‌های قرآن «راست‌گویی محض» است؛ چرا که راوی و قصه‌گو خداوند علیم و بصیر است و روایت قصه با زاویه‌ی دید علم و بصیرت مطلق حق تعالی، بدون هیچ نادرستی، خواهد بود. در لابه‌لای قصه‌های قرآن، جملات معترضه آمده‌اند که هدف از آن‌ها «القای گزاره‌های معنوی و هدایت‌بخش» است. و نکته‌ی آخر اینکه در قصه‌های قرآن، در توصیف صحنه‌ها و موضوعات مربوط به مسائل جنسی، زبانی پاک و کلامی عفیف و همراه با پرده‌پوشی به کار رفته است.

مفهوم «قصه» در قرآن

در قرآن کریم، کلمه‌ی «قصه» و جمع آن «قصص» نیامده ولی شکل مصدری آن، یعنی «قَصَصَ» هفت بار ذکر شده است. از این هفت مورد کاربرد به شکل اسم، شش مورد به معنای داستان و حکایت و تاریخ و قصه و فقط یک مورد (کهف/ ۶۴) در معنای اصلی لغوی یعنی «پی‌جویی و دنبال کردن» استفاده شده است. به شکل «فعل» هم، این کلمه در قرآن کریم در ۹ صیغه و در کل ۲۷ مورد به کار رفته و در همه‌ی موارد همچنان به همان معنی قصه حکایت است؛ جز در یک مورد (قصص: ۱۱) که به معنای اصلی «پی‌جویی» است. البته به جز واژه‌ی قَصَص، در قرآن کریم از واژه‌های زیر نیز برای مفهوم «قصه و حکایت» استفاده شده است: «تَبَاءَ» به معنای خبر؛ «حَدِیث» یعنی خبر، روایت، تازه و نو؛ «مَثَل» به معنی عبرت و آگاهی از احوال گذشتگان و «اسطوره» به معنای افسانه و داستان تخیلی که بین اعراب جاهلی رواج داشته است.

نکته‌ی مهم این است که مفهوم «قصه» در قرآن کریم، با مفهوم «داستان» در حوزه‌ی ادبیات داستانی امروز (چه روایتی

نماز

نماز رکن اصلی دین است و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی دانش آموزان داشته باشد. حیات طبیعی انسان در سایه حاکمیت دین وقتی حاصل خواهد شد که انسان ها دل خود را به یاد خدا زنده نگاه دارند و به کمک آن بتوانند با همه ی جاذبه های گمراه کننده مبارزه کنند

دین داری، خداشناسی، عشق و پرستش در نهاد آدمی به ودیعه نهاده شده اند. کار مربیان پرورش و تقویت و شکوفایی احساس مذهبی و اخلاق کودکان و نوجوانان در راستای همان گرایش های فطری و ارضای نیازهای روانی آنهاست. پرورش و هدایت دینی و اخلاقی فراگیرندگان در وهله ی نخست در نهاد خانواده شکل می گیرد. و در دوران مدرسه به ثمر می نشیند. امروزه مسئولیت خانواده ها و مربیان سنگین تر از پیش

شده است. امروزه باید پیش از هر زمان دیگری از مناسب ترین و مؤثرترین راهکارهای عملی برای پرورش، هدایت و تثبیت تربیت دینی و رفتارهای انسانی و خداپسندانه برای رشد فرزندان خود استفاده کنیم.

مساجد با قدرت معنوی خود همواره توانسته اند نیروهایی معتقد، فعال و عالم پرورش دهند، تا در مواقع حساس از دین و کشور دفاع کنند و حاضر به همه نوع فداکاری، از جمله نثار جان خویش، باشند. لذا بر همه ی عوامل تربیت دینی لازم است با تکیه بر قرآن، سنت و رهنمودهای معصومان (ع)، برای تربیت اسلامی فرزندان این مرز و بوم تلاش کنند.

چگونگی اجرای طرح

ابتدا طرح را در شورای معلمان مطرح کردم و با استقبال همکاران رو به رو شدم. ما در مدرسه نمازخانه ی کوچکی داریم که هفتاد دانش آموز می توانند در آن حاضر شوند. لذا زنگ نماز روزانه با یک پایه است که حدود ۲۰ دقیقه در نمازخانه حاضر می شوند و نماز می خوانند.

● روز قبل از اجرای طرح به دانش آموزان اعلام کردیم که روز بعد این طرح را در مدرسه داریم و لازم نیست برنامه ی رسمی درسی را

یاور نماز

تجربه ای درباره ی ترویج نماز

مریم محمدی

دبستان تزکیه، رباط کریم



حمید رضا بازرگانی - هشتمین جشنواره ی عکس رشد

به مدرسه نیاورند. فقط دفتر، خودکار، مداد، مدارنگی، خوراکی و یک زیرانداز همراه داشته باشند. از طرح نیز برای آن ها صحبت کردیم؛ درباره ی چگونگی یک روز فقط با نماز (اجرای نمایش، شعر، سرود بیان فلسفه ی نماز از زبان دانش آموزان).

روز موعود فرا رسید و طرح با مراسم آغازین شروع شد. مدیر مدرسه در سر صف سه دقیقه درباره ی اجرای طرح صحبت کرد و گفت: «امروز فقط درباره ی نماز حرف می زنیم و فعالیت می کنیم. می خواهیم بدانیم چرا نماز می خوانیم؟ و خاطره ها را درباره ی نماز می شنویم. برایمان بگویید در اولین نمازی که خواندید، چه حسی داشتید؟»

در پایان هم توضیح داد که این برنامه ها تحت نظارت و راهنمایی معلم انجام می پذیرند.

هر کلاسی، تحت نظارت و راهنمایی معلم، درباره ی نماز به فعالیت پرداخت. بچه ها به گروه های مختلفی تقسیم شدند. معلم بحث را باز کرد و سؤالی مطرح کرد و خود به نظاره پرداخت. بچه ها درگیر بحث شدند و سرگروه به ثبت نتایج پرداخت. سپس گروه ها درباره ی سؤال ها صحبت کردند و به زبان شیرین بچگی سؤال های دوستانشان را جواب می دادند؛ بچه ها در گروه های نمایش درباره ی نماز نمایش اجرا کردند. خاطره گفتند، شعر و انشا نوشتند و از احساس خود گفتند؛ وقتی نماز می خوانند.

نقاشی، شعر و نوشته های آن ها به دیوارهای کلاس، مدرسه و حیاط، توسط خود دانش آموزان و تحت نظارت معاونان، نصب شد.

زنگ های تفریح هم با شعری درباره ی نماز به صدا درآمد.

زنگ سوم، زنگ جمع بندی و بیان احساس بود. دانش آموزان از برنامه ی روز صحبت کردند و سپس به ترتیب برای گرفتن وضو به حیاط رفتند. بعد از نماز، به قید قرعه چند دانش آموز آمدند و احساس خود را درباره ی نماز بیان کردند. از جمله گفتند:

● ما خوشبختیم که خدا به ما اجازه ی حرف زدن با خودش را داده است. خدایا شکر که مرا مسلمان آفریدی تا نماز بخوانم و با تو حرف بزنم.

● از امروز من نماز می خوانم. این روز را هیچ وقت فراموش نمی کنم.

اتفاق نو

پرونده

ورود به دبستان

سیده زهرا یاسینی عکاس: اعظم لاریجانی

دوره‌ی دبستان از نظر تعلیم و تربیت بهترین دوران آموزش است، زیرا کودک از ابعاد گوناگون آمادگی و پذیرش لازم برای کسب دانش و مهارت و نگرش‌های مورد نیاز خود را دارد. بنابراین، نباید این فرصت را به سادگی از دست داد. باید تمهیدات لازم را از جهت گوناگون فراهم کرد. آموزگار آگاه و دلسوز و متعهد، مدیر، مدبر و مطلع و فضای آموزش زیبا و بانشاط و متناسب و تجهیزات مورد نیاز و برنامه‌ی درسی متناسب با ابعاد رشد کودکان، در ارتقای کیفیت آموزش و علاقه‌مند کردن به درس و مدرسه نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

همه ساله با شروع ماه مهر کوجه‌ها و خیابان‌ها رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کنند. با شروع سال تحصیلی، میلیون‌ها دانش‌آموز روانه‌ی مدرسه می‌شوند و شور و شوق آنان جلوه‌ی زیبایی به شهر می‌دهد. روزهای آغازین مدرسه از چند نظر اهمیت دارد. ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان، تقویت انگیزه و تلاش و تحقیق، کاهش دلهره و اضطراب و زدودن هرگونه آثار بدبینی نسبت به درس و مدرسه و کلاس و معلم می‌تواند در روزهای اول مدرسه صورت گیرد. بی‌تردید دلهره و اضطراب کودکی که قرار است برای اولین بار از آغوش گرم خانواده جدا شود و پا به دنیایی ناشناخته بگذارد، بیشتر است. برخی از کودکان تجربه‌ی زندگی جمعی در مهد کودک و کودکستان را نداشته‌اند و اگر داشته‌اند، حضور مسئولانه و مکلف به انجام مشق و درس نداشته‌اند و این خود عاملی برای ایجاد ترس و نگرانی در آنان است، ترس از نتوانستن و موفق نشدن. لذا آموزگار کلاس اول، علاوه بر داشتن دانش و مهارت کافی حرفه‌ای باید از معلمان سایر پایه‌ها صورت‌تر و پرحوصله‌تر و مهربان‌تر باشد. دنیای کودک کلاس اولی را خوب بشناسد و از خصوصیات آن‌ها و شرایط خانواده‌شان آگاهی لازم را داشته باشد. سال‌های آغازین تحصیل دوران بسیار حساسی است. در این دوران، روابط در خانه فردی‌تر است. کودک میل شدیدی به رفاقت با هم‌سالان خود دارد و این کار در خانواده‌های امروزی، به دلیل تغییراتی که در شیوه‌ی زندگی مردم به وقوع پیوسته است، امکان‌پذیر نیست. هم‌چنان که اگر امکانات خانواده به گونه‌ای باشد که کودک خود را در منزل آموزش دهد، باز کودک از حضور در مدرسه، به دلیل برقراری ارتباط با کودکان دیگر بی‌نیاز نیست.

قابل دسترسی آشنا شوید. مشکلات احتمالی (چراغ، پرده، تهویه و تجهیزات) را بشناسید. این شناخت کمک می‌کند برنامه‌ی کلاسی خود را با توجه به امکانات موجود آماده کنید.

۳ نشست و گفت‌وگو با مدیر مدرسه

من در نشستی با مدیر مدرسه، درباره‌ی قوانین و مقررات مدرسه، نظام حضور و غیاب، لزوم ارائه‌ی طرح درس از او سؤال می‌کنم. آیا لازم است طرح درس‌ها با برنامه‌ی خاص یا در قالب خاصی تهیه شوند. به منظور اجرای بهتر قوانین انضباطی کلاس و مدرسه، اطلاعات مدیر و پرونده‌ی دانش آموز، می‌تواند به برنامه‌ریزی قبلی من کمک زیادی کند. ● درباره‌ی شیوه‌ی اطلاع‌رسانی به مدیر، در زمان‌هایی که به علت بروز مشکلی نمی‌توانید در مدرسه حضور پیدا کنید، سؤال کنید و شماره تلفن‌هایی برای تماس ضروری دریافت کنید.

۴ آماده‌سازی کلاس درس

من کلاس را بررسی و شیوه‌ی چینش آن را برنامه‌ریزی می‌کنم. طرحی برای قرار گرفتن تخته، کمد دیواری،

برای خیلی‌ها نخستین روز مدرسه شاید ماندنی‌ترین خاطره‌ی زندگی باشد؛ خاطره‌ای که با شیرینی‌ها و گاه با دلهره‌ها و اضطراب‌های فراموش ناشدنی فراوان عجین است. برای شروع مدرسه و سال تحصیلی، همان‌طور که دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها باید آماده داشته باشند، آموزگاران نیز باید آماده

باشند و با برنامه‌ریزی دقیق پیش بروند تا بتوانند گام به گام به اهداف تعیین شده برسند. به‌عنوان آموزگار، اقدامات زیر را برای ثبت یک روز به یادماندنی در ذهن خود و دانش‌آموزانتان انجام دهید.



ثبت اولین روز

۱ آشنایی با محیط فیزیکی مدرسه و اطراف آن

من در ابتدا با موقعیت مدرسه و محل قرار گرفتن کلاس‌ها، اتاق مدیر، آموزگاران و سایر کارکنان، خروجی‌های اضطراری و ساختمان آشنا می‌شوم. ● برای فعالیت‌های کلاسی نیاز است مکان‌های نزدیک مدرسه مانند پارک، مسجد و کتاب‌خانه‌ی محله را بشناسیم تا در صورت نیاز، از این مکان‌ها برای گردش‌های علمی کوتاه مدت استفاده کنیم.

۲ آشنایی با سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های مدرسه

من پیش از آمدن دانش‌آموزان به مدرسه، برای هفته‌ی پیش‌رو آماده می‌شوم.

● لازم است از قبل با اهداف، خط‌مشی‌ها، قوانین و مسائل انضباطی مدرسه آشنا شویم. این آشنایی کمک می‌کند راحت‌تر آن‌ها را به کار ببندیم و در فرایند آموزش به آن‌ها دست یابیم در زمینه‌ی روش‌های ارزشیابی عملکرد و توسعه‌ی حرفه‌ای آموزگاران، اطلاعات کافی کسب کنید. در صورت دسترسی به همکاران خود، درباره‌ی راهبردها و نوآوری‌هایی که مدرسه بر آن‌ها تمرکز دارد، پرس‌وجو کنید. از تجربیات و قوانین آموزگاران دیگر اطلاع پیدا کنید. با برنامه‌ی هفتگی مدرسه، کتاب‌خانه و سایر امکانات آموزشی، سایت رایانه و برنامه‌های موجود در آن‌ها و سایت‌های

اولین روز مدرسه‌ی من به یاد آن سالام‌ها

دکتر نیره شاه‌محمدی

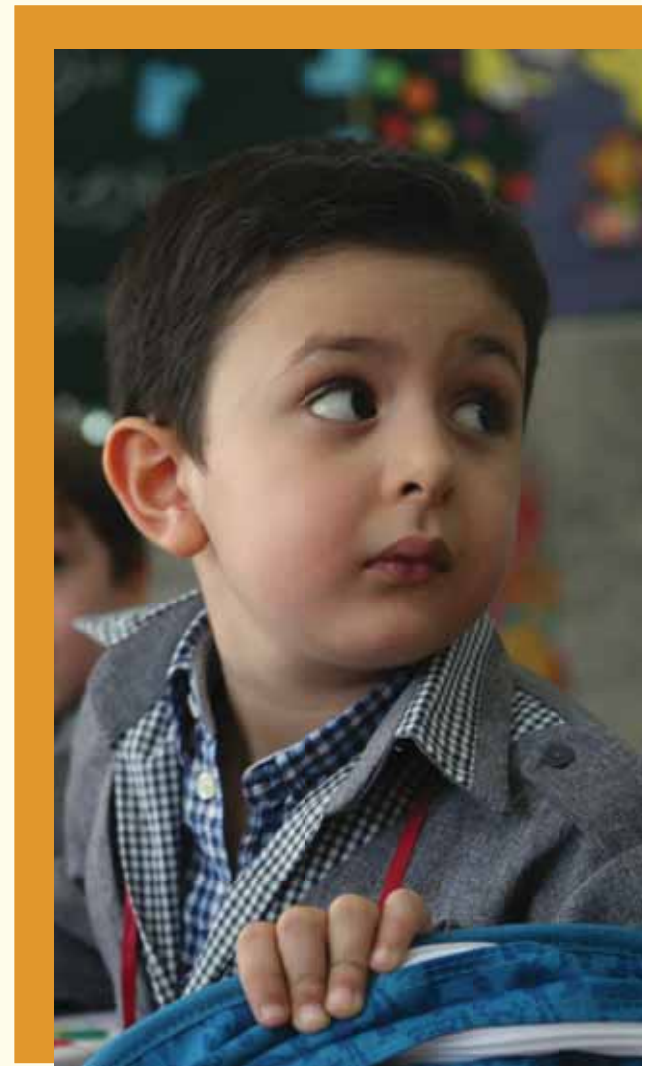
صندلی‌ها و میزها و وسایل دانش‌آموزان و تابلوی اعلانات تهیه کرده‌ام. این کار به مدیریت بهتر کلاس درس کمک می‌کند.

● مکانی را در کلاس برای ارائه‌ی تکالیف به‌صورت هفتگی اختصاص دهید. لازم است دانش‌آموزان از فعالیت‌های خود به‌صورت هفتگی آگاه شوند و بدانند در طول یک هفته‌ی آموزشی چه اتفاقاتی می‌افتد. این کار به بسیاری از سؤالات پاسخ می‌دهد. فهرستی از وسایل مورد نیاز که در کلاس وجود ندارد تهیه کنید و به مدیر مدرسه یا معاونان بدهید تا آن وسایل را خریداری کنند. شما برای تدریس خود به لوازم اولیه و اساسی نیاز دارید. شیوه‌ی چینش کلاس و وسایل موجود در آن به یادگیری بهتر دانش‌آموزان کمک می‌کند. به یاد داشته باشید که کلاس نباید شلوغ باشد.

۵ آمادگی و خوش‌آمدگویی به دانش‌آموزان

من کلاس را برای خوش‌آمدگویی به دانش‌آموزان آماده می‌کنم. مکانی را برای ارائه‌ی کارهای دانش‌آموزان اختصاص می‌دهم.

پوسترهایی مرتبط با روز اول مدرسه به دیوار بزنید



و عکس‌هایی از دانش‌آموزان را در کلاس آویزان کنید. فضایی برای مطالعه‌ی دانش‌آموزان، فضایی برای استفاده از رایانه، مکان‌هایی به‌عنوان ایستگاه یادگیری و فضایی برای کتاب‌ها و مجلات طراحی کنید. در صورت نبودن فضا و کوچک بودن کلاس می‌توان از فضای حیاط مدرسه و کتاب‌خانه برای این کار استفاده و غرفه‌هایی را برای انجام فعالیت‌های متنوع ایجاد کرد. برای دسترسی بهتر به کتاب‌ها می‌توان آن‌ها را در سبدهای رنگی (مثلاً سبد قرمز برای داستان و سبد آبی برای کتاب‌های دانش‌افزایی علوم) دسته‌بندی و قابل حمل کرد. فضای ایجاد شده لازم است اشتیاق به یادگیری را در دانش‌آموزان چند برابر کند. اگر شما به کلاس، چینش و تمیزی آن اهمیت دهید، دانش‌آموزان نیز به آن اهمیت می‌دهند.

فضایی را برای ارائه‌ی تکالیف توسط دانش‌آموزان اختصاص دهید. همچنین، نسخه‌ای از تکالیف را در مکانی قرار دهید تا دانش‌آموزانی که در آن روز غایب بوده‌اند، به آن رجوع کنند و از فعالیت کلاس مطلع شوند. دانش‌آموزان معمولاً در شروع کلاس آموزگار را بمباران سؤال می‌کنند. سعی کنید با مهربانی، آرامش و صبر فراوان به آن‌ها پاسخ دهید.

مکانی را نیز برای سخنان خود و صحبت درباره‌ی کلاس و قوانین آن، اعلام برنامه‌ی هفتگی کلاس و روند کار کلاسی انتخاب کنید. تمیز کردن کلاس پس از برنامه‌ی روزانه را به دانش‌آموزان گوشزد کنید.

۶ برقراری روابط دوستانه با دانش‌آموزان

سلام دوستی می‌آفریند. من در بدو ورود به کلاس، خودم را معرفی می‌کنم و در صورت لزوم، نام خود را روی تخته می‌نویسم. حتماً نام دانش‌آموزان را یاد می‌گیرم.

● پس در ادامه‌ی کلاس شخصیت مثبت و لحن مطمئن داشته باشید، با استفاده از فعالیت‌های یخ‌شکن (مثل ترتیب دادن یک بازی که در آن بچه‌ها خود را معرفی کنند)، دانش‌آموزان را مشتاق و آن‌ها را با هم آشنا کنید. انتظارات خود را به روشنی اعلام کنید. منطقی را که پشت انتظاراتتان وجود دارد برایشان توضیح دهید. این موضوع را که فرایند یاددهی - یادگیری عمدتاً بر مبنای مشارکت است، به آن‌ها تفهیم کنید. چگونگی رسیدگی به دانش‌آموزان مشکل‌دار را نیز یاد بگیرید.

منابع

۱. فرداد، مجتبی (۱۳۹۰). توصیه‌های راهگشا برای معلمان:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=180658>

2. Brenny, k. & Martin, k.(2010)1000 best New Teachers survival secrets, Published by Source-books, Inc.



گذر از آموزش غیررسمی به
آموزش رسمی

دستم بگرفت و پابه پای برد

زری آقاجانی

اشاره

مسائلی در زندگی وجود دارند که ما روزانه و حتی سال‌ها با آن‌ها در ارتباط هستیم، ولی کمتر پیش می‌آید آن‌ها را بازنگری و از ابعاد متفاوت بررسی کنیم. یکی از آن موارد که ما مردم در همه جای این کره‌ی خاکی، دست کم در یک دوره‌ی ملموس از زندگی، با آن روبه‌رو هستیم و خیلی سهل از کنار آن می‌گذریم، موضوع «انتقال از آموزش غیررسمی به آموزش رسمی» است. اکنون وقت آن رسیده است که قالب‌های تجربی و ثابت را قدری به عقب برانیم و به مسائل آموزشی، به‌خصوص آموزش کودکان، از بعد پژوهشی بنگریم و از دستاوردهای پژوهشگران برای برنامه‌ریزی در امور گوناگون کشور بهره‌مند شویم. اگر چه ره هموار نیست، اما ره‌روان فکور قادرند راه را هموار و نظر را به عمل تبدیل سازند.

کلیدواژه‌ها: انتقال، نظام آموزش رسمی، دبستان.

تعریف انتقال

واژه‌ی «انتقال» تعریف مبسوطی دارد و با وجود افزایش توجه آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به آن، هنوز تعریف جامعی برای آن در نظر گرفته نشده است. شاید یکی از دلایل آن این است که پژوهش‌هایی درباره‌ی چنین موضوعی، بر اساس پژوهش‌های طولی انجام می‌شوند و شرایط روحی روانی و رفتاری و به‌خصوص تجربیات کودکان مورد مطالعه، با

گذشت زمان دستخوش تغییرات می‌شوند (کر، ۲۰۰۹)، برای مثال، کودکانی که در ابتدای انتقال دچار مشکل بودند، بعداً به راحتی آن را پذیرفتند، ولی آنان که در ظاهر بدون هیچ مشکل خاصی وارد این مرحله شدند، به مرور مشکلات زیادی از نظر آموزشی و رفتاری پیدا کردند که می‌توان از آن به‌عنوان مشکلات مرتبط با انتقال نام برد (پیترو، ۲۰۰۵). برخی انتقال را گذر از یک مکان، مرحله، دوره، سبک، موضوع و وضعیت در یک دوره‌ی زمانی می‌دانند. اخیراً بعضی با توجه به ارتباط خیلی خاص آن با آموزش پیش‌دبستانی، آن را زمان بین اولین برخورد در آموزش تا آخرین مرحله‌ی آن در ورود به دانشگاه تعریف می‌کنند. برخی از صاحبان تعلیم و تربیت (کاگان، ۱۹۹۱) نیز تعریف خطی و طولی برای آن در نظر گرفته‌اند. انتقال خطی برای کودک شامل تغییرات بین چیدمان‌های آموزشی مانند پیش‌دبستان با مدرسه و یا بین خانه تا پیش‌دبستان است، در حالی که انتقال طولی در برگیرنده‌ی گذرهای کودک در میان زندگی روزانه است؛ مانند زمان‌های پس از مدرسه. یونیسف نیز بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته تعریف دیگری دارد و آن را نوعی آمادگی می‌داند که ابعاد آن شامل کودک، والد و مدرسه است. بدین ترتیب که کودک آمادگی رفتن به مدرسه باشد، مدرسه آمادگی پذیرفتن کودک تازه وارد باشد و والدین آمادگی فرستادن به موقع فرزندشان به مدرسه باشند و آمادگی تعامل با مدرسه را داشته باشند (یونیسف، ۲۰۱۰).

پرونده

جمشید فرزند فردا هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد



انتقال از پیش دبستان به دبستان

موضوع انتقال از دوران پیش دبستان به مدرسه، در دنیای آموزش موضوع تازه‌ای نیست و تاریخچه‌ی بحث‌ها و بررسی‌های آن برمی‌گردد به سال ۱۸۵۲، زمانی که فردریک فروبل طرح تفصیلی ارتباط سازمان‌یافته‌ای را بین آموزش پیش دبستان و مدرسه مطرح کرد که بعدها به عنوان بحث نظام‌مند انفصال و چگونگی ایجاد پل ارتباطی بین شکاف موجود گذر از یک سطح به سطح دیگر ادامه پیدا کرد. در دهه‌ی ۱۹۶۰، در میان کشورهای اروپایی، چگونگی انتقال آسان کودکان از پیش دبستان به آموزش ابتدایی حائز اهمیت بود و علاوه بر آن، بحث اصلاحات برنامه‌ی درسی واحد و برنامه‌ریزی از پایین به بالا، یعنی از پیش دبستان تا دبیرستان، نیز موضوع قابل توجه پژوهشگران در آن روزها بود (دانلوپ و فلیبان، ۲۰۰۷).



از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد، موضوع انتقال و همکاری مورد توجه پژوهش‌ها قرار گرفت. (مارگنس، ۲۰۰۲. دوکتس و پری، ۲۰۰۷).

در سال‌های اخیر، به موضوع بررسی انتقال از دید کودک توجه خاصی شده است. بررسی‌های انجام شده (بروستورم، ۲۰۰۱؛ ۲۰۰۸) درباره‌ی اظهارنظرهای کودکان در مورد انتقال از پیش دبستان به دوره‌ی ابتدایی بیان می‌کنند که کودکان انتظار دارند در مدرسه بیشتر از مهدکودک بازی کنند و فعالیت‌های علمی انجام دهند. همچنین، آنان می‌دانند که در مدرسه قوانین و مقررات تازه‌ای وجود دارد که باید به آن‌ها احترام بگذارند و خودشان را با آن‌ها سازگار کنند. اشاراتی به مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش‌ها، هر چند مختصر، خالی از لطف نخواهد بود (داکوت و پری، ۲۰۰۷).

● شروع مثبت مدرسه پیامدهای مثبت آموزشی و اجتماعی در پی خواهد داشت؛

● تصور کودکان از خودشان به عنوان یادگیرنده، از تجربیات مدرسه‌ای آنان متأثر خواهد بود؛

● به دلیل آنکه مدرسه برای هر کودک مسئولیت‌ها، تجربه و فهم گوناگونی را در پی دارد، در نتیجه، در پدیده‌ی انتقال نیز تجربه‌ی هر کودک با دیگری متفاوت خواهد بود؛

● کودکانی که در محیط خانه و مدرسه تجربیات مشابهی پیدا می‌کنند، دوره‌ی انتقال به مدرسه برایشان آسان‌تر می‌شود.

انتقال در نظام آموزشی

در نظام آموزشی، عبارت انتقال به چند مرحله‌ی اصلی اشاره دارد. دوره‌ی انتقال از پیش دبستان به دوره‌ی ابتدایی نیز اخیراً مورد توجه محافل آموزشی واقع شده است و به عنوان یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های انتقال در نظر گرفته می‌شود که در فردای آموزش، اجتماع و اقتصاد بسیار اثرگذار است. در حالی که در طول این انتقال دانش‌آموزان تجربیات متفاوتی را از نظر موفقیت‌های پایه‌ای تجربه می‌کنند، مراحل انتقال، توجه ویژه‌ای روی مربیان و اصلاحات مدرسه دارد، زیرا دانش‌آموزان منتقل شده، غالباً تغییرات معنادار علمی، اجتماعی، عاطفی، فیزیکی و رشدی را تجربه می‌کنند که به طور نامطلوب روی عملکردشان اثر می‌گذارد. برای مثال، در مراحل انتقال، دانش‌آموزان از یک مدرسه‌ی آشنا به مدرسه‌ای ناآشنا می‌روند؛ جایی که با معلمان و همسالان و انتظارات آموزشی و مشکلات اجتماعی و حتی فضا و ترکیبات متفاوتی مواجه می‌شوند که احساس فشار، اضطراب، ناامیدی و ناامنی را تاحدی افزایش می‌دهد. بدین منظور، مدارس برای انتقال آسان و موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان راهکارهای آموزشی، پرورشی و سازمانی گوناگونی را در نظر می‌گیرند؛ همانند سیستم‌های اطلاع‌رسانی اولیه، برنامه‌های پیونددهنده‌ی تابستانی و برنامه‌های ارتقا محور.

مشکلات انتقال از پیش دبستان به دبستان

پژوهش‌های بین‌المللی بیان می‌کنند انتقال از پیش دبستان به دبستان، برای کودکان اگر آسیب‌زا نباشد گاهی مشکل‌ساز خواهد بود؛ به‌خصوص برای کودکان با شرایط غیرعادی، مانند کودکان با نیازهای آموزشی ویژه یا خانواده‌های از هم گسیخته. وقتی کودکان از پیش دبستان یا خانه وارد محیط دبستان می‌شوند، نوعی تغییر هویت را تجربه می‌کنند؛ از روزگار کودکی در پیش دبستان تا وضعیت دانش‌آموزی در مدرسه. این بدان معناست که آنان باید به طریقی خاص رفتار کنند. قوانین و مقررات کلاس و همچنین زبان کلاس را یاد بگیرند و از آموزگار پیروی کنند. کودکان تازه وارد در مدرسه با فضای فیزیکی پهنای مواجه می‌شوند که باید در آنجا راهشان را هر چند مشکل، پیدا کنند. در دبستان محیط اجتماعی پیچیده‌تر است. تعداد زیادی دانش‌آموز وجود دارند که با کودکان پیش دبستانی مقایسه می‌شوند و بنابراین رقابت‌های زیادی وجود دارد. در دبستان، تعداد بزرگسالانی که با کودک ارتباط و تعامل داشته باشند، کمتر است. در دبستان کودکان استقلال کمتری دارند و مجبورند حرکات و جنب‌وجوش‌های فیزیکی‌شان را کنترل کنند. در مرحله انتقال، آنان با پدیده‌ی تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند که چالش‌های ناآشنایی دارد! یک مطالعه‌ی موردی روی چهار کودک پیش دبستانی با توانمندی‌های مناسب مانند حس استقلال، کنجکاوی و جست‌وجوگری همراه با تعامل مناسب با هم‌سالان نشان داد که آنان با ورود به دبستان در هفته‌های اول دچار احساس ناامنی، نگرش منفی و حالت انفعال شدند. اگرچه به‌نظر می‌آمد این کودکان شرایط لازم را برای ورود به مدرسه دارند، اما آنان در مدرسه احساس «راحتی» نداشتند، این وضعیت احساس سالم‌شان را تخریب و هیجان آنان را برای یادگیرنده خوب بودن در محیط جدید از بین برد.



عوامل مؤثر در انتقال

در مرحله‌ی انتقال فقط کودکان نقش ندارند، بلکه خانواده، مرکز پیش دبستانی، مدرسه و برنامه‌ی درسی انعطاف‌پذیر دخالت‌های قابل تأملی در این پدیده دارند. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، ماهیت زمینه و بستری که کودکان در آن وارد می‌شوند، در این باره نقش مهمی دارد. چنانچه ویژگی‌های فردی کودکان با محیطی که وارد می‌شوند هم‌خوانی نداشته باشد، اکثر آنان کم و بیش با مشکلات انتقال روبه‌رو خواهند شد. برای مثال، در کشوری چند قومیتی مانند ایران، زمانی که کودکان وارد محیط مدرسه می‌شوند، اگر با زبان و فرهنگ غالب در مدرسه ارتباط برقرار نکنند، به‌طور قطع

آسیب خواهند دید. در این شرایط، این مدرسه است که باید برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی، از قبل تدابیر لازم را در نظر گرفته باشد. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، در مشکلات انتقال موضوعات مالی و بضاعت خانواده‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. وضعیت اقتصادی نامناسب و کمبود امکانات در خانه باعث می‌شوند که کودکان با پیشینه‌های یادگیری ضعیف تا قوی وارد مدرسه شوند که این خود روند انتقال را با موانع و مشکل روبه‌رو می‌سازد.

با وجود همه‌ی مشکلات یاد شده، جای نگرانی نیست و می‌توان با کمک معلم، مسئولان مدرسه و خانواده، راه‌حل‌هایی پیدا کرد، اما این راه‌حل‌ها ثابت و همیشگی نیستند و هر سال به بازنگری و ارتقا نیاز دارند. در اینجا برخی از مهم‌ترین نقش‌های آموزگار عبارت‌اند از:

- برقراری ارتباط با ذخیره‌ی دانشی کودکان یا آورده‌های کودک از خانه و پیش دبستان به مدرسه؛
- فعالیت‌های ارزشیابی که بیانگر ماهیت یادگیری باشد و ساختار فرهنگی فعالیت‌های ارزشیابی؛
- ایجاد ارتباط بین آموزش‌های پیش دبستانی با مدرسه؛
- پرورش مهارت برقراری ارتباط و ایجاد روابط دوستانه در کودکان برای پیشگیری از پیامدهای منفی انزوا و نداشتن دوست؛
- توجه به تجربیات کودک از محیط مدرسه، مانند زنگ تفریح و استفاده از دستشویی؛
- ایجاد فرصت‌هایی برای بازی‌های کودکان که باعث افزایش تجربیات، ارتقای درک و فهم کودکان و همچنین گسترش دایره‌ی واژگان آن‌ها می‌شود؛
- آموزش درک مقررات بدون ایجاد فشار و سخت‌گیری؛
- کسب آگاهی درباره‌ی کودکان و والدین؛
- گسترش ارتباط خانه و مدرسه.

منابع

1. Britto, Pia Rebello. School Readiness: A conceptual framework, UNICEF, New York, 2010.
2. Broström, S. (2001). Jeg gar i første! fra børnehavetil hørnehavetklasse of til 1. klasse [I am from grade one! from preschool to kindergarden class and then to grade one]. Tech. rep., Danmarks Pædagogiske Universitet, Copenhagen.
3. Broström, S. (2008). Transition to school-liberation or adjustment. Keynote presentation at the European Early Childhood Education Research Conference, Stavanger.
4. Docke, S., & Perry, B. (2007). Transitions to School. Perceptions, expectations, experiences. Sydney: UNSW Press.
5. Dunlop, A.-W., & Fabian, H. (2007). Informing transitions in the early years. London: McGraw Hill.
6. Sally, Peters. (2009). Literature Review: Transition from Early Childhood Education to School. Report Commissioned by Ministry of Education
7. www.edglossary.org
8. www.educationcounts.govt.nz

روز حساس

دکتر ابوالفضل بختیاری

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

اشاره

اولین روز مدرسه، برای تمامی افرادی که مدرسه را تجربه کرده‌اند، خاطره‌ای به یاد ماندنی است. خاطره‌ی شیرین پیش از ورود به مدرسه، حین ورود، لحظه لحظه‌های اولین روز، اولین برخورد مربی، معلم، معاون، مدیر و حتی سرایدار یا بابای مدرسه در جان و دل هر دانش‌آموز تا پایان عمر باقی است.

فرهنگ آموزش: اولین روز مدرسه

بحث را با یک سؤال شروع می‌کنیم. آیا مربیان، معلمان، مدیران، معاونان و کلیه‌ی کارگزاران آموزشی از اهمیت و نحوه‌ی برخورد با اولین روز مدرسه، و اولین مواجهه‌ی کودک با مدرسه مطلع‌اند؟ ای مدیر (و معاون) آیا برای اولین روز مدرسه اندیشیده‌اید؟ آیا برای اولین روز مدرسه‌ی خود و معلمان برنامه دارید؟ آیا می‌دانید روز اول مدرسه چقدر مهم است؟ آیا می‌دانید بچه‌ای که اولین بار به مدرسه می‌آید، چه تخیلات و تصوراتی از کلاس، مدرسه، درس، معلم و فرهنگ مدرسه دارد؟ آیا می‌دانید روز اول مدرسه تمام حرکات، سکنت‌ها، رفتارها، گفتارها و حتی در و دیوار مدرسه را بچه‌ها در ذهن یادداشت می‌کنند؟ اگر به تجربه‌ی زیسته‌ی هر کدام از افرادی که مدرسه و کلاس را درک کرده‌اند، بنگریم، برای اکثر افراد اولین روز مدرسه جزو خاطرات فراموش نشدنی هر فرد در زندگی است. بچه‌ها پیش از ورود به مدرسه، از آموزگار، کلاس و مدرسه تصورات و تخیلاتی دارند که با ورود به مدرسه، این تخیلات و تصورات گاهی شیرین، و گاهی تلخ می‌شوند؟ یا حداقل شوق و ذوقی ایجاد نمی‌کنند؟ و این گونه می‌توان گفت ای کاش تمامی دست‌اندرکاران نظام آموزشی، به‌ویژه مسئولان پیش‌دبستانی و ابتدایی، یکی از مهم‌ترین کارهایشان این باشد که برنامه‌ی بحث اولین روز دبستان و نحوه‌ی رویارویی کارگزاران آموزشی را جدی، مهم و با اهمیت تلقی می‌کردند و با اقداماتی، شادی، شادابی، بهجت، نشاط و حس خوب را از همان روز اول به بچه‌ها می‌دادند.

در گفت‌وگو با مربیان، معلمان و همکاران فرهنگی، اکثر آن‌ها خاطره‌های شیرین اولین روز مدرسه و اهمیت آن‌را تأکید کرده‌اند. کمتر مربی یا معلمی در نظام آموزشی کشور سراغ اولین مربی یا معلم خود را نمی‌گیرد و خاطرات شیرین معلم اول، مربی پیش‌دبستانی، ملای مکتب‌خانه (در نظام‌سنی) را از یاد می‌برد.

در اولین برخورد و اولین روز مدرسه تمام چشم، گوش و بدن بچه‌ها، کلمات، جملات، نگاه‌ها، گفتارها و حتی پندارهای معلمان و دست‌اندرکاران مدرسه را با جان و دل حس می‌کنند و تصاویر فضای فیزیکی مدرسه را در ذهن می‌سپارند. فرهنگ اولین روز مدرسه، مجموعه‌ای ارزش‌ها، باورها، هنجارها، رفتار، گفتار، پندار، آداب و عادات است که می‌توان عشق و شوق به مدرسه را در دانش‌آموز بیشتر کرد یا نفرت، بیزارى و ذلت را در او ایجاد کرد.

توصیه می‌شود معلمان قبل از اولین روز مدرسه، با استفاده از تجربه‌های مدیران و معلمان با سابقه، برنامه‌ای هرچند کوچک مختصر برای روز اول بچه‌ها فراهم کنند. برای مثال، با دادن گل، معرفی مدرسه و خود نیز معرفی بچه‌ها و البته بدون تأکید بر مشق و درس، به بچه‌ها خوش‌آمد بگویند و زمینه‌های دوستی بین بچه‌ها را فراهم کنند. به یاد داشته باشیم که مدرسه اولین مکان ورود اجتماعی آن‌هاست.





توجیه والدین پایه‌ی اول ابتدایی
استان مازندران

در کارگاه تحول

قاسم مهدوی

اشاره

سند تحول و کارگاه آموزشی والدین

به استناد راهکارهای ۱۴/۲ و ۴/۴ سند تحول بنیادین، در اولین گام، با تصویب مصوبه‌ای با عنوان «اجرای کارگاه آموزشی والدین پایه‌ی اول ابتدایی» در شورای معاونان اداره‌ی کل آموزش و پرورش مازندران، شورای راهبری این برنامه تشکیل شد تا هدایت و راهبری برنامه‌های اجرایی، آموزش‌ها و تهیه و تولید محتوا را بر عهده بگیرد. در امتداد آن نیز کمیته‌ها و کارگروه‌هایی در سطح استان تا شهرستان/ منطقه و پایگاه‌ها، مسئولیت اجرای این برنامه را عهده‌دار شدند.

در راستای عملیاتی کردن مفاد سند تحول بنیادین و به استناد راهکارهای ذکر شده در آن، برای هم‌گرایی بین انتظارات والدین با اهداف تعلیم و تربیت و برقراری حلقه‌ای علمی-ارتباطی در انتقال نیازهای آموزشی و تربیتی بین والدین و مدرسه و تحقق آموزش و پرورش، معاونت آموزش ابتدایی، برای والدین ورودی پایه‌ی اول سال تحصیلی ۹۴-۹۵ شورای راهبردی کارگاه آموزشی یک‌روزه‌ای تشکیل داده است. این شورا به هدایت و رهبری برنامه‌های اجرایی، آموزش و تهیه و تولید محتوا پرداخته است. کارگروه‌های کمیته‌ی اجرایی، تولید محتوای آموزشی و کمیته‌ی نظارت و ارزیابی زیر نظر شورای راهبری استان مشغول فعالیت شدند. این طرح به‌عنوان طرح ضروری برای اجرا در دوره‌ی ابتدایی، از سوی وزارت متبوع به سراسر استان‌ها معرفی شد و به‌عنوان یکی از موضوعات مغفول عنوان شد که این استان پیشگام اجرای آن بوده است. این طرح بنا به دلایل و چالش‌های زیر در دستور کار قرار گرفته بود:

- نبود هم‌سویی و هم‌گرایی بین انتظارات والدین با اهداف نظام تعلیم و تربیت

امروزه ما شاهد تحولات جوامع انسانی در ابعاد گوناگون هستیم که باعث شده است گاه فرزندان ما متفاوت از تصمیم و اراده‌ی ما تربیت شوند. گویا سازوکار تکاملی جوامع انسانی در ابعاد ذهنی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، تکنولوژی و غیره به‌سوی تضعیف نقش اولیا به پیش می‌رود و این می‌تواند هشداردهنده باشد.

به همین دلیل، آموزش هدفمند و برنامه‌ریزی شده‌ی اولیا برای شناخت بهتر فرزندان، از نظر روان‌شناسی تحولی و تعامل مؤثر و مفید مدرسه با وی، در جهت ارتقای پیشرفت تحصیلی و تربیتی، ضروری می‌نماید. در پی وجود چنین واقعیت‌ها و مسائل بسیار دیگری است که ما باید آموزش خانواده را جدی بگیریم و آن را از لحاظ کمی و کیفی گسترش بدهیم تا بتوانیم اولیای آگاه و کارآمد در تربیت فرزندان جامعه‌ی اسلامی داشته باشیم.

اگر کسب این تجربه‌ها در راستای اهداف و برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت باشد، می‌تواند در ایجاد همدلی و هم‌زبانی بین آنچه آموزگار فرزندان این خانواده مطالبه می‌کند با آنچه والدین به دنبال آن هستند مؤثر باشد. در این صورت، خروجی نظام تعلیم و تربیت آن چیزی خواهد شد که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اشاره دارد.



۹۴/۳/۲۰ تا ۹۴/۶/۲۰ برای کلیه افراد

جامعه‌ای هدف (اولیای پایه‌ی اول ورودی مهر ۹۴) کلاس‌هایی تشکیل داد. در این راستا از مدرسان آموزش خانواده که با اهداف دوره‌ی ابتدایی آگاهی کافی داشته‌اند، در مبحث اول و از مدرسان و معلمان توانمند شهرستان‌ها و مناطق در دوره‌ی ابتدایی در مبحث دوم استفاده شد. زمان کلاس کارگاهی برای هر نفر از جامعه‌ی هدف چهار ساعت پیش‌بینی شده بود که به هر سرفصل دو ساعت اختصاص یافت.

• لازم به ذکر است، مدیران محترم پایگاه‌ها در پایان برگزاری کلاس یک‌روزه‌ی آموزش والدین پایه‌ی اول، به والدین شرکت‌کننده گواهی حضور در کارگاه آموزش والدین پایه‌ی اول دادند که به‌عنوان یکی از مدارک ثبت‌نامی در پرونده‌ی تحصیلی دانش‌آموزان نگهداری و بایگانی شد. لزوم حضور والدین در این کارگاه‌ها در شیوه‌نامه‌ی ثبت‌نام دانش‌آموزان سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴ استان نیز قید شده بود.

جامعه‌ی هدف: کلیه‌ی والدین پایه‌ی اول ورودی مهر ۹۴، به تعداد ۴۳۵۰۵ نفر

کمیته‌ی اجرایی این برنامه، در جهت غنابخشی به فرایندهای اجرایی کارگاه‌ها، تهیه و تولید محتوای آموزشی را نیز در دستور کار داشت. در این راستا، محتوای آموزشی با عنوان «خشت اول»، ویژه‌ی آموزش والدین دانش‌آموزان پایه‌ی اول (تابستان ۹۴) تهیه و تولید شد و به تمامی والدین شرکت‌کننده داده شد.

بررسی‌ها نشان از آن داشت که چنانچه والدین، به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر در نظام تعلیم و تربیت، از اهداف و برنامه‌های این نظام آگاهی داشته باشند، می‌توانند مؤثرتر نقش ایفا کنند و این موضوع، تناقضات در رفتارها و مسائل آموزشی بین والدین و عوامل مدرسه جلوگیری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تدوین اصول راهنما و پودمان‌های آموزشی برای تبیین نقش مدرسه، رسانه و خانواده در تأمین پیش‌نیازهای ورود کودک به مدرسه و ایجاد سازوکارهای لازم برای هماهنگی و هم‌سویی آن‌ها با هم و با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی.
۲. افزایش میزان مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه، برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش، ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا برای هم‌سوزی اهداف و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه.

• آگاهی کم والدین با رویکردها و اهداف کتاب‌های جدیدالتألیف

• ضعف اجرای برنامه‌ی آموزش خانواده در تحقق جهت‌دهی برای مرتفع کردن نیازهای آموزشی

• نبود حلقه‌های علمی - ارتباطی برای تسهیل در انتقال نیازهای اولیه‌ی آموزشی و تربیتی

• نبود الگوی کاربست شهرستانی / منطقه‌ای برای حل مشکل بی‌توجهی والدین به آموزش

• نبود سازوکار مشخص و مدون برای به‌روزرسانی دانش‌ها و مهارت‌های والدین

• معاونت آموزش ابتدایی استان مازندران به‌منظور کاهش آسیب‌های ذکر شده، اقدامات زیر را عملیاتی کرده است:

• کاربردی کردن کارگاه‌های آموزش والدین

• ایجاد وحدت رویه در سطح استان، برای نقش‌آفرینی مؤثر والدین در فرایندهای آموزشی و تربیتی

• بهبود کیفیت فرایند انتقال محتوای برنامه

• تغییر نگرش جامعه‌ی هدف (اولیا) در زمینه‌ی اهداف تعلیم و تربیت

• تغییر نگرش والدین نسبت به اهداف سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی (ارزشیابی کیفی - توصیفی)

• تربیت مدرسان متخصص در سطح استان برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی والدین

• نظارت بالینی بر اجرای کارگاه‌های آموزشی شهرستانی / منطقه‌ای

• اطلاع‌رسانی و تعامل پیوسته و مؤثر والدین با معلمان پایه‌ی اول ابتدایی

• معاونت آموزش ابتدایی استان پس از جمع‌آوری آمار و اطلاعات و ارسال سرفصل‌های تعیین شده در دو بخش «اهداف تعلیم و تربیت، اهداف و انتظارات دوره‌ی ابتدایی،

مباحث روان‌شناسی کودک در دوره‌ی ابتدایی و تعامل و انتظارات بین خانه و مدرسه» و سپس «رویکردها و اهداف کتاب‌های جدیدالتألیف و وظایف اولیا»، از تاریخ



از گذشته‌ی دور تاکنون

عده‌ای معتقدند با پایان فصل تابستان و رونق گرفتن دگرباره‌ی مدارس، از میزان بازی‌گوشی بچه‌ها کاسته می‌شود و آن‌ها به اصطلاح «تخته‌قاپو» می‌شوند، برای درس خواندن در خانه‌ها اتراق و سر در گریبان درس فرو می‌کنند، ولی از قرار، زمانه بدجوری عوض شده است.

قدیم‌ندیم‌ها بازی‌گوش به بچه‌هایی اطلاق می‌شد که از دم‌دم‌های خروس‌خوان صبح، به‌ویژه تابستان‌ها، یا از خانه بیرون می‌زدند یا در خانه به انواع و اقسام شیطنت‌های معمول آن دوران دست می‌زدند. نوع بازی‌گوشی‌ها هم بسته به فرهنگ محل، جنسیت بچه‌ها و فصل‌های سال متفاوت بود. اگر اندکی دورتر، قاب‌بازی و پرداختن به بازی‌های بومی معمول بود، مدتی بعد فوتبال در زمین‌های خاکی یا گل کوچک در زمین‌های آسفالت محلی جایگزین آن شد و اندکی بعد، سینما رفتن عصرگاهی و حضور در کلوپ‌های ورزشی و تفریحی جای آن‌ها را گرفت. البته ممکن است بگویید همه‌ی این مثال‌ها پسرانه است. بله، کاملاً درست است. عروسک‌بازی و خاله‌بازی‌های دخترانه، لی‌لی و مهمانی‌دادن‌های نیمچه واقعی و ساختگی با مینیاتوری از خوراکی‌ها مانند سیب و پرتقالی که به ده دوازده قاچ و فال جدا از هم تقسیم شده بودند و نیز معلم‌بازی با پوششی شبیه به خانم معلم‌های واقعی و سعی در رفتن به جلد معلم‌هایی که بیشتر دوستشان می‌داشتند، از بازی‌هایی بود که دختران بازی‌گوش، در سال‌هایی که دیگر پشت سر گذاشته‌ایم، لااقل بیشتر از پسران، روزگار خود را با آن‌ها سپری می‌کردند.

اگر چه بسیاری از بازی‌ها و غرق شدن‌های کودکانی دختران و پسران ما، از دید بزرگ‌ترها بازی‌گوشی و نوعی کار غیرآموزشی و نامحترم تلقی می‌شد، ولی به دلیل تنوعی که در آن‌ها به چشم می‌خورد، می‌توانستیم شاهد رشد حوزه‌های گوناگونی از گستره‌ی توانایی‌های رشدی و استعدادی بچه‌ها باشیم. اگر بعضی از این بازی‌ها کودکان ما را به رشد شناختی می‌رساندند، برخی دیگر رشد جسمانی - حرکتی و بعضی دیگر رشد عاطفی و روانی آن‌ها را به ارمغان می‌آوردند؛ ضمن اینکه غالباً این بازی‌ها، در سپهر جامعه‌ای صورت می‌پذیرفت که از قبل آن، رشد اجتماعی قابل توجهی نصیب بچه‌ها می‌شد و البته اگر چه در این میان، از دید برخی اولیا، حتی خواندن کتاب‌های غیر درسی، نقاشی کشیدن‌های متنوع و ساخت‌وساز کاردستی‌های خلاقانه در تابستان و طی سال تحصیلی هم بازی‌گوشی خوانده می‌شد، و از این کودکان می‌خواستند: «به جای این بازی‌گوشی‌ها به درس و مشقشان بپردازند»، ولی واقعیت این بود که این قبیل کارها، نه تنها در معنای واقعی خود، بازی‌گوشی نبود، بلکه اقداماتی بود برای توسعه‌ی مهارت‌های رشدی و استعدادهای متنوع کودکان و نوجوانان.

دکتر مرتضی مجدفر

بچه‌های بازی‌گوش بچه‌های گوشی‌باز!

این بازی‌ها و از دید تعدادی از اولیا بازی‌گوشی‌ها، باعث می‌شد فرزندان ما به طور متوازن رشد و جنبه‌های گوناگونی از حیات اجتماعی را تجربه کنند و به اندوخته‌های زیسته‌ی خود بیفزایند.

سال‌های سال، این نوع بازی‌های متداول بازی‌گوش‌مآبانه را پشت سر گذاشتیم. در گذر زمان، فناوری‌های نوین زندگی ما را درنوردیدند و با محصولات متنوع خود، رنگ و بوی دیگری به روزگارمان دادند. به تدریج بچه‌های بازی‌گوش ما گوشی‌باز شدند و تکیه‌کلام ما که دیگر خود دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و پای در جای پای اولیایمان گذاشته بودیم، تغییر یافت: «بچه جان! این قدر گوشی‌بازی نکن!»

اگر بازی‌گوشی‌های پیشین گسترده‌ی قابل توجهی از مهارت‌ها و توانمندی‌های رشدی، از جمله مهارت‌های اجتماعی، ارتباطات گروهی و کنش‌ها و پویای اجتماعی را نصیب کودکان و نوجوانانمان می‌کرد، گوشی‌بازی غالباً آنان را منزوی، تکرور، سر در بالین و محدود به داده‌های موجود در گوشی کرد. درست است گوشی‌بازی از بسیاری جهات، دارای اطلاعات، سرگرمی‌ها و مطالب دانشی مهمی است و به طور فزاینده‌ای می‌تواند دانش و مهارت‌های شناختی و حتی زبان‌آموزی کودکان و نوجوانانمان را رشد دهد، ولی بازدارنده‌ی رشد جسمانی - حرکتی و حتی در برخی موارد رشد عاطفی - روانی آن‌ها نیز می‌شود و این، به غیر از آسیب‌های احتمالی فراوانی است که می‌تواند به رشد اخلاقی - معنوی فرزندان ما وارد کند.

چه باید کرد؟

اکنون مهرماه است و دانش‌آموزان گوشی‌باز بازی‌گوش، با فرصتی که در تعطیلات تابستانی خود برای تشدید گوشی‌بازی در اختیار داشته‌اند، وارد کلاس‌های درس ما شده‌اند. با این دانش‌آموزان چه باید کرد؟!

گوشی‌بازی آفت زمانه‌ی ماست. چالش هزاره‌ی سوم است، معضل تربیتی امروز خانواده‌هاست، رنجی است که اکنون چند صباحی است با ما همراه شده است. گوشی‌بازی مشکل است و اگر بتوانیم آن را به مسئله تبدیل و تهدیدهای موجود در آن را به فرصت تبدیل کنیم، خواهیم توانست این بحران را به راحتی مدیریت کنیم. اگر ما نتوانیم گوشی‌بازی را حذف کنیم، به دلیل ارتباط مستمری که با خانواده‌ها داریم، می‌توانیم آن را محدود کنیم. راهکارهایی که در ادامه ارائه می‌شوند، روش‌های ساده‌ای برای احیای لذت‌های فراموش شده و همراهی توأمان مدرسه، خانواده و دانش‌آموزان با این لذت‌ها، به منظور دور ساختن کودکان و نوجوانان از گوشی‌بازی است:



راهکارهایی برای محدود ساختن گوشی بازی

برخی از روش‌هایی که در زیر ارائه می‌شوند، در وهله‌ی اول برای خود ما، در مقام آموزش‌کاران صحنه‌ی عمل، و در وهله‌ی بعد برای ارائه به پدران و مادران دانش‌آموزانمان در نشست‌های مدرسه‌ای، است:

● در نشست‌ها و مهمانی‌های خانوادگی، به افراد تذکر دهیم گوشی‌بازی نکنند حتی دیده شده است در برخی خانواده‌ها، به توصیه‌ی صاحبخانه، یکی از بزرگ‌ترهای فامیل، گوشی‌های مهمانان را در محلی جمع‌آوری و در پایان مهمانی به آنان بازمی‌گرداند.

● برای استفاده‌ی همه از تلفن همراه، تبلت و رایانه در منزل ساعت تعیین کنیم و خود به آن پای‌بند باشیم.

● ترتیبی اتخاذ کنیم که کودکانمان به طور مرتب پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود را ببینند و شرایطی ایجاد کنیم که سنت قصه‌گویی‌های فولکلور، خاطره‌گویی و بیان خاطرات کودکی توسط آن‌ها پابرجا بماند. همچنین، ایجاد موقعیتی که بچه‌ها با پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود بازی کنند، بهترین حالات برای دور ساختن بچه‌ها از گوشی‌بازی است.

● سنت بردن بچه‌ها به مساجد، زیارتگاه‌ها و اماکن فرهنگی - مذهبی را زنده نگه داریم. حضور در این مکان‌ها - البته اگر با برنامه‌ریزی‌های جذاب از طرف مدیران آن‌ها نیز همراه باشد - لذت‌های جدیدی را نصیب فرزندانمان خواهد کرد که به طور قطع در گوشی‌بازی یافت نمی‌شود.

● یک دفتر ۱۰۰ یا ۲۰۰ برگ برای خود و فرزندانمان تهیه کنیم و با هم قرار بگذاریم کارهایی را که هر روز انجام می‌دهیم، در آن بنویسیم. ممکن است خود ما برای نوشتن دفتر خاطرات انگیزه داشته باشیم، ولی بهتر است در مورد فرزندانمان از برخی انگیزاننده‌ها استفاده کنیم. در این صورت، آن‌ها کم‌کم به این فکر می‌افتند که کارهای مثبتی انجام دهند تا چیزی برای نوشتن در دفتر و دریافت انگیزاننده‌ها داشته باشند.

● در یک باشگاه ورزشی عضو شویم. باشگاه‌های زیادی برای انواع ورزش‌ها نام‌نویسی می‌کنند. یکی از این باشگاه‌های معتبر را شناسایی کنیم که به والدین و فرزندان خدمات توأمان می‌دهند و از مزایای آن برای خود و فرزندانمان بهره‌مند شویم. این کار موجب بالا بردن سلامت جسمی و روانی، و افزایش مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی می‌شود.

● متناسب با جنسیت و شرایط سنی، یک کار داخل منزل برای فرزندانمان در نظر بگیریم و ترتیبی اتخاذ کنیم تا بابت این کار، حتی دستمزد هم دریافت کند تا احساس بی‌حوصلگی و بی‌انگیزگی به او دست ندهد.

● عکاسی هنر خوبی است و امروزه در اغلب خانه‌ها، به غیر از تلفن‌های همراه و تبلت‌ها، دوربین عکاسی نیز پیدا می‌شود. اگر در منزل دوربین عکاسی داریم، همراه با فرزندانمان طرز کار با آن را بیاموزیم و به‌طور مشترک به عکاسی از سوژه‌های گوناگون بپردازیم. عکاسی کردن می‌تواند به افزایش دقت، تمرکز و نیز گسترش دایره‌ی تفکر و دید ما و فرزندانمان نسبت به محیط اطراف، کمک زیادی کند.

● آشپزی کردن، یکی از مفرح‌ترین راه‌ها برای دور شدن از گوشی‌بازی است. لازم نیست آشپزی بلد باشیم. فقط کافی است دست به کار شویم و با هر چیزی که دم‌دستمان است، یک غذای خوشمزه (شاید هم پدمزه!) درست کنیم. در این راه، آشپزی خانوادگی لذت کار را چند برابر خواهد کرد.

● مهمان یار مهربان باشیم. خودمان دائم کتاب بخوانیم و کتاب‌های مورد علاقه‌ی فرزندانمان را نیز تهیه کنیم. در ژاپن پدران و مادران با انگیزش‌هایی که از واحدهای آموزشی دریافت می‌کنند، موظفاند سالانه ۲۰ کتاب مطالعه کنند. این رقم برای معلمان و دانش‌آموزان سالی ۵۲ کتاب است.

● با هم به کتاب‌فروشی، نمایشگاه کتاب، سینما، تئاتر و یا کلاس هنری برویم. رفتن به کتاب‌فروشی، بازدید از نمایشگاه کتاب، عضویت در کتابخانه‌ی عمومی محل، دیدار از گالری عکس و موزه، حضور در کنسرت موسیقی، رفتن به سینما و دیدن فیلم در فضای لذت‌بخش و اختصاصی سینما، نشست‌ن در پای صحبت یک هنرمند صنایع دستی که هنرش در حال فراموشی است، دیدار با یک خواننده‌ی سنتی (برای مثال عاشیق در آذربایجان، بخشی در ترکمن صحرا، دوتارنواز در خراسان) و مواردی از این دست، روش‌هایی برای فرار از گوشی‌بازی است، به شرط اینکه تمام وقتمان در این قبیل بازدیدها (باز با فیلم گرفتن که نوع دیگری از گوشی‌بازی است) سپری نشود.

● لاف‌ل یک زبان خارجی یاد بگیریم. یادگیری زبان خارجی را برای فرزندانمان به نوعی آموزش اجباری تبدیل نکنیم، بلکه این کار را برایشان یک تفریح بدانیم. کافی است از فایده‌های یادگیری یک زبان خارجی آگاهی پیدا کنند، بدون شک علاقه‌ی آن‌ها به مرور بیشتر خواهد شد.

● داستان بنویسیم. خودمان داستان بنویسیم یا تمرین داستان نوشتن کنیم - حتی اگر داستان‌نویسی بلد نباشیم، داستان که خوانده‌ایم - و از فرزندانمان بخواهیم هفته‌ای یک داستان کوتاه بنویسند. آن‌ها را به انجام این کار تشویق کنیم. حتی می‌توانیم سوژه بدهیم و بگوییم در مورد این اتفاق یا



درمورد آینده‌ی خودشان داستان بنویسند. آن‌ها را وادار به فکر کردن کنیم و همراه با یکدیگر در منزل کارگاه تفکر راه بیندازیم. در این کارگاه، فرزندان را از نظر ذهنی درگیر کنیم تا با کنار هم قراردادن وقایع و اتفاقاتی که در موردشان بحث کرده‌ایم، بیندیشند و در نهایت، آن‌ها را با مهارت در کنار هم قرار دهند و بالاخره داستانی به وجود بیاورند.

● تمام موزه‌های شهر و سپس کشورمان را بگردیم. بسیاری از مردم یک شهر، حتی تمامی موزه‌های شهر خودشان را بازدید نکرده‌اند، چه برسد به بازدید از موزه‌های سایر شهرهای کشورشان و نیز سایر کشورها. بازدید از موزه، هم تفریح است و هم می‌تواند تجربه‌ای جالب، مفید و آموزنده باشد. موزه جایی برای آشنایی با فرهنگ‌ها و تاریخ گذشتگان و معاصران است.

● به فرزندانمان یاد بدهیم و با آن‌ها همراه شویم تا با استفاده از چوب، حصیر، کاغذ شابلن خیاطی، چسب و چند متر نخ، یک بادبادک زیبا بسازد. بعد در اولین حضور بیرون از خانه، در مکان‌های مناسب آن را به آسمان بفرستیم و از داشتن روزی خاطره‌انگیز و پرهیجان لذت ببریم. به جز ساخت بادبادک، ساخت کاردستی‌های دیگر هم می‌تواند ضمن تقویت خلاقیت و افزایش اعتماد به نفس بچه‌ها، مهارت‌های دیگرشان را نیز بیشتر کند.

● بازیه‌های بومی - محلی را احیا کنیم. ایام حضور در پارک‌ها، تفرجگاه‌های بیرون شهر، مسافرت‌های خانوادگی، اردوگاه‌ها و... مکان‌های مناسبی برای این قبیل کارها هستند.

چند راهکار خیلی ساده‌تر

همه‌ی زندگی لم دادن در یک گوشه‌ی منزل و گوشه‌ی بازی نیست. به غیر از روش‌هایی که ذکر شد، راهکارهای خیلی ساده‌ی زیر هم می‌تواند شما و فرزندان را از گوشه‌ی بازی به دور کند:

● با توپ‌های کوچکی که قابلیت فشرده شدن و برگشتن به حالت قبل را دارند، بازی کنید.

● برخی خط‌کش‌ها روی خودشان شکل‌های گوناگونی مانند دایره، مربع و مستطیل دارند. از این شابلون‌ها برای کشیدن شکل‌های هندسی و تقاطع دادن آن‌ها استفاده کنید و شکل‌های جدید و زیبایی پدید آورید.

● به دوران کودکی برگردید و با فرزندان خود خمیربازی کنید. اگر قدری حوصله کنید، خواهید دید که ساختن توپ‌های کوچک، شکل‌های هندسی و حیواناتی از خمیر هنوز چه قدر لذت‌بخش است. البته اگر اسب شما شبیه بز شد، خیلی ناراحت نشوید. نخست آنکه از دوران کودکی خیلی فاصله گرفته‌اید، دیگر اینکه لافل برای ساعاتی از گوشه‌ی بازی دور شده‌اید.

● به ورزش‌های ساده و بدون ابزار روی بیاورید. شاید

ورزش مچ، باز و بسته کردن انگشتان و چرخش گردن برای شروع کار مناسب باشد.

● کاغذی به دست بگیرید و با مداد شروع به خط‌خطی کردن کنید. اگر مدادهای شما چند رنگ باشند بهتر است. بسیاری از آثار هنری نفیس از همین خط‌خطی کردن‌ها به وجود آمده‌اند. همچنین می‌توانید بی‌هدف و بدون اینکه به موضوع خاصی فکر کنید، روی کاغذ شروع به نوشتن کنید. باز بسیاری از آثار ادبی، از همین نوشتن‌های بدون برنامه‌ی قبلی پدید می‌آیند.

● روی فرش با انگشت خود دایره بکشید. بعد این کار را با کشیدن دایره روی ماسه و آرد یا شکری که داخل یک ظرف ریخته‌اید، ادامه دهید. اگر ظرفتان بزرگ باشد، می‌توانید از دایره کشیدن صرف پا فراتر بگذارید و نقاشی یا خطاطی روی ماسه را نیز امتحان کنید.

● در گوشه‌ای از داخل آپارتمان و اگر دارای منزل ویلایی هستید، در گوشه‌ای از حیاط خانه، کارگاه گل‌بازی راه بیندازید و علاوه بر ورز دادن به گل، به ساختن مجسمه‌ی گلی به شکل دستی نیز روی بیاورید. اصلاً ممکن است یک وقت شرایط جور شود و گل‌بازی ساده‌ی خودتان را با خرید یک چرخ و ابزار و ادوات دیگر و راه‌اندازی یک کوره‌ی ساده، به سفالگری و ساخت وسایل گلی تبدیل کردید. اگر کوره جور نشد، علی‌الحساب می‌توانید از خدمات رایگان خورشیدخانم بهره‌مند شوید!

● نقطه‌بازی کنید. بازی دوز، نخودی یا سنگ‌ریزه‌ی علم کنید. بساط اسم و فامیل راه بیندازید. مار و پله و

منج‌های قدیمی را احیا کنید. به شیوه‌ی دوران

نوجوانی خود، روی کاغذ، تانک‌ها و ادوات جنگی یکدیگر را از بین ببرید. همه‌ی این‌ها بازی‌های ساده‌ی هستند که با اندکی توجه، برای لحظاتی ما را از گوشه‌ی بازی دور خواهند کرد.

● روی یک مقوای ضخیم (کارتن) به اندازه‌ی کاغذ A4 دو سوراخ کوچک ایجاد کنید. این کار را تا چند ردیف تکرار کنید (مانند ردیف سوراخ‌های کفش یا کتانی). سپس بند کفش واقعی، نخ ضخیم یا کاموای مناسب را از سوراخ‌ها رد کنید و یک‌بار برای کودکان، از ردیف بالا به پایین، همانند بند کفش، ببندید. حال از بچه‌ها بخواهید به‌صورت بازی، این کار را به دفعات تکرار کنند و تا زمانی که به سرعت قابل قبولی نرسیده‌اند و البته بازی برایشان کسل‌کننده نشده است، کار را ادامه دهند.



استقبال از غنچه‌های پاییزی

بازگشایی مدارس، اقدامات و راهکارها در نشست مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی

شهلا فهمی

اشاره

فضای مدرسه و آماده‌سازی امکانات، در خصوص بخش اول، مهم‌ترین کاری که انجام می‌شود، تشکیل جلسه با اولیاست. این جلسه برای آگاهی دادن به خانواده‌ها تشکیل می‌شود. به‌خصوص چون رویکرد مدرسه‌ی ما «شوق یادگیری» است، لذا اساس فعالیت‌های مدرسه نیز همگی بر مبنای یادگیری استوار است. ماسعی می‌کنیم تشویق‌ها، تکلیف‌ها و برنامه‌های مدرسه با این رویکرد هم‌سو باشند و اشتیاق به یادگیری در دانش‌آموزان ایجاد شود. ما معتقدیم، هم‌سویی باعث می‌شود برنامه‌های مدرسه به سهولت پیش بروند. محتوای ارائه شده در این جلسه، تلفیقی از آموزش خانواده و بیان سیاست‌های مدرسه است. برنامه‌های میان‌پایه با پایه‌ی اول متفاوت است و در ضمن، این موضوع هم مورد توجه است که این بچه‌ها همه از مدرسه‌ی ما هستند یا دانش‌آموز تازه‌وارد هم داریم؛ زیرا بچه‌های تازه‌وارد با برنامه‌ها و سیاست‌های مدرسه آشنایی ندارند.

این برنامه‌ها به شکل یک بسته‌ی آموزشی هستند و ضمن اینکه در مدرسه برنامه‌ی واحدی اجرا می‌شود، هر معلمی نیز متناسب با کلاس خود طرح درس دارد. در این بسته، مناسبت‌های ملی و مذهبی نیز لحاظ می‌شوند. در روز بازگشایی مدرسه به هیچ‌عنوان به اهداف درسی پرداخته نمی‌شود و برنامه‌ها نباید بیش از دو ساعت طول بکشند.

صفاری در پاسخ به این سؤال که آیا برای بازگشایی مدرسه دستورالعمل وجود دارد یا نه، گفت: «دستورالعمل خاصی در این خصوص وجود ندارد، اما مجموعه‌ی آموزشی‌کی‌میی‌هم‌دلی در این زمینه قدری به ما کمک می‌کند. مدارس موظف‌اند گزارشی از برنامه‌های بازگشایی را به اداره ارسال کنند.»



صفاری

همه ساله با شروع سال تحصیلی میلیون‌ها دانش‌آموز روانه‌ی مدارس می‌شوند. این جنب‌وجوش جلوه‌ی زیبایی به شهرها و محله‌ها می‌بخشد. در این میان، دانش‌آموزان، به‌خصوص کلاس اولی‌ها، به خاطر شادابی و معصومیت کودکانه‌شان، دیدنی‌ترند. شور و شغف و گاهی اضطراب و نگرانی در چشمانشان به وضوح نمایان است. مدارس نیز خود را آماده‌ی خوشامدگویی به آن‌ها می‌کنند. مدیران، معاونان، آموزگاران و دیگر کارکنان مدرسه می‌کوشند روز اول مهر را در یاد دانش‌آموزان ماندگار سازند.

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با برگزاری نشستی، به دنبال راهکارهای علمی و عملی برای شروع بهتر سال تحصیلی است. به همین دلیل، از سیده زهرا یاسینی (کارشناس مجله)، میترا شهیدی، مدیر دبستان دانش‌پرور در منطقه‌ی ۸ تهران و مهدخت صفاری، مدیر دبستان دخترانه‌ی غنچه‌های شاد در منطقه‌ی ۵ و معصومه فرهوش، کارشناس تکنولوژی گروه‌های آموزشی شهر تهران، دعوت کرده است تا نظرات خود را در این زمینه بگویند.

آماده‌سازی مدرسه

اولین سؤال مطرح شده در این نشست، درباره‌ی نحوه‌ی آماده‌سازی فضای مدرسه برای استقبال از دانش‌آموزان به ویژه کلاس اولی‌هاست. صفاری، مدیر دبستان غنچه‌های شاد، در این باره می‌گوید: «در مدرسه‌ی ما، برنامه‌ریزی برای شروع سال تحصیلی به دو بخش تقسیم می‌شود: برنامه‌ریزی محتوایی و تفهیم نیروی انسانی و برنامه‌ریزی برای

پرونده



شهیدی

شهیدی، مدیر دبستان دانش‌پرور، درباره‌ی آماده کردن نیروی انسانی مدرسه می‌گوید: «ما در تابستان با اولیا و دانش‌آموزان،

معلمان و دیگر کارکنان مدرسه جلساتی را برگزار می‌کنیم و با مشارکت آن‌ها برنامه‌ها تعیین می‌شوند. اما در نهایت خود آموزگاران هستند که برنامه را متناسب با شرایط فیزیکی، جغرافیایی و فرهنگ محیطی مدرسه و البته با در نظر گرفتن مصوبات آموزش و پرورش و چارچوب‌های اداری تنظیم می‌کنند. رویکرد مدرسه ما کشف استعدادهاست. اگر اولیای دانش‌آموزان اهداف و برنامه‌های مدرسه را بپذیرند و با مدرسه هم‌سو و هم‌فکر شوند، می‌توانند ما را در دستیابی به اهداف کمک کنند.» وی در خصوص آماده کردن فضای مدرسه می‌گوید: «تلاش ما این است که مدرسه را به محیطی امن و خوشایند برای بچه‌ها تبدیل کنیم. شاداب‌سازی مدرسه، پویایی حیاط، توجه به سرویس‌های بهداشتی و تهویه‌ی کلاس‌ها اقداماتی هستند که در این راستا انجام می‌شوند تا دانش‌آموزان در ساعاتی که در مدرسه حضور دارند، احساس آرامش و امنیت کنند.»

معصومه فروش مهمان دیگر این نشست است. وی در شروع صحبت‌های خود با معرفی مجموعه‌ی آموزشی «کیمیای همدلی، گنجینه‌ی همکاری» که به همت گروه معاونت آموزشی شهر تهران تهیه شده است، امیدوار است این مجموعه در پیشبرد اهداف آموزشی به مدیران و معلمان کمک کند.

فروش که خود سال‌ها در سمت‌های آموزگار و معاون آموزشی در مدارس خدمت کرده است و به دلیل جایگاه اداری خود در حال حاضر فعالیت‌های آموزشی مدارس را رصد می‌کند، دغدغه‌اش را چنین بیان می‌کند: «اشکالی که در مدارس ما وجود دارد، این است که با آنکه یادگیری در دوره‌ی پیش‌دبستان از طریق بازی و اکتشاف صورت می‌گیرد، وقتی بچه‌ها وارد کلاس می‌شوند، متأسفانه بسیاری

از روش‌های یادگیری‌شان از دست می‌رود، زیرا ما آن‌ها را وادار می‌کنیم همه مثل ما فکر کنند. این روش آموزش متعلق به دهه‌های گذشته است. مدارس باید از خصوصیت انعطاف‌پذیری و کشسانی خوبی برخوردار باشند. البته در حال حاضر اوضاع قدری بهتر شده است. هدف اساسی مدرسه باید تربیت دانش‌آموزان تاب‌آور باشد و در کنار آن پدران و مادران تاب‌آور، خانواده‌ی تاب‌آور و جامعه‌ی تاب‌آور.»

فروش در ادامه گفت: «در اولین جلسه‌ای که با اولیا داریم، لازم است آن‌ها را با قسمت‌های گوناگون مدرسه آشنا کنیم و حتی اقدامات مدیر و کارکنان را به آن‌ها نشان دهیم. این در مورد بچه‌های کلاس اول نیز صدق می‌کند. زیرا این بچه‌ها، به دلیل نآشنایی با محیط جدید، اضطراب دارند. حتی می‌توان برای بچه‌های کلاس اول برنامه‌ی اردو و یک روز گردش در مدرسه گذاشت. این کار، به دلیل اینکه خارج از کلاس و در محیط غیررسمی انجام می‌شود، موجب برقراری و بهبود ارتباط آموزگار و دانش‌آموز می‌شود. نکته‌ی بسیار مهم دیگر این است که بچه‌های کلاس اول باید محل سرویس بهداشتی و همچنین آب‌خوری مدرسه و نحوه‌ی استفاده از آن را یاد بگیرند. ما دانش‌آموزانی داریم که طرز استفاده از دستشویی را به تنهایی بلد نیستند. اگر مدرسه محلی برای غذاخوری دارد، باید به دانش‌آموزان کلاس اول نشان داده شود. حتی نحوه‌ی نشستن و بلند شدن از روی صندلی را باید به بچه‌ها آموخت. یکی از اهداف آموزش ابتدایی تربیت شهروند خوب است. پس در این دوره باید آموزش‌های لازم به بچه‌ها داده شود.» وی در خصوص دوربین‌های مداربسته که گاهی در مدارس از آن‌ها استفاده می‌شود، گفت: «این حق بچه‌هاست که در صورت وجود دوربین‌های مداربسته در مدرسه، از وجود آن‌ها آگاه باشند. در برخی مدارس، از این دوربین‌ها به عنوان اهرم ترس استفاده می‌شود. برای مثال، در یکی از مدارس به بچه‌ها گفته شده بود در دستشویی‌ها دوربین مداربسته نصب شده



یاسینی

ارزش‌های زندگی مخصوص پایه‌ی اول دبستان کمک بگیرند. مهدخت صفاری مهم‌ترین ویژگی آموزگار کلاس اول را همدلی خواند و گفت: «آموزگار کلاس اول باید تمام ویژگی‌هایی را که جزو ارزش‌های هر انسان است دارا باشد. ولی از همه مهم‌تر این است که آموزگار باید همدلی کردن را بلد باشد. آموزگار کلاس اول باید گشاده‌رو باشد و توانایی به کارگیری هوش معنوی و هوش هیجانی را داشته باشد. او باید بتواند احساس بچه‌ها را درک کند.

است. بچه‌ها به همین دلیل از رفتن به دستشویی اجتناب می‌کردند. باید به بچه‌ها محل‌های نصب دوربین را نشان داد و به آن‌ها گفت وجود این دوربین‌ها برای کنترل بیشتر نظم در مدرسه است.»

چه کسی می‌تواند آموزگار کلاس اول شود؟

در ادامه‌ی نشست این سؤال مطرح شد که آموزگاران پایه‌ی اول باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند و چه تفاوتی با معلمان دیگر دارند؟ شهیدی در این باره گفت: «محبوب‌ترین و بهترین الگو برای دانش‌آموزان کلاس اول آموزگار است. دانش‌آموز کلاس اول باید به آموزگار خود اعتماد داشته باشد تا در ساعاتی که در مدرسه حضور دارد، او را جایگزین والدینش کند. این الگوی محبوب و دوست‌داشتنی باید از وضع قوانین خشک در روزهای اول دوری کند و به جای صحبت از نمره و امتحان، در جلب اعتماد بچه‌ها بکوشد. ما آموزگارانی داشتیم که در تدریس بسیار موفق، ولی در برقراری ارتباط مؤثر ناتوان بودند. برای دانش‌آموز کلاس اول برقراری ارتباط عاطفی از هر چیزی مهم‌تر است.

شهیدی هم در مورد فعالیت‌های آموزشی کلاس اول در ابتدای سال تحصیلی گفت: «ما به معلمان کلاس اول توصیه می‌کنیم در هفته‌های اول و دوم فعالیت‌هایی در قالب بازی با بچه‌ها انجام دهند تا آن‌ها آماده‌ی آموزش‌های رسمی شوند؛ به‌خصوص، بچه‌هایی که دوره‌ی پیش‌دبستان را طی نکرده‌اند.

در خصوص چگونگی برقراری ارتباط با بچه‌های کلاس اول در روز اول مدرسه می‌توان با طرح سؤال‌های ساده بچه‌ها را به شرکت در بحث و گفت‌وگو تشویق کرد.»

معصومه فروش، آراستگی آموزگاران دوره‌ی ابتدایی، به خصوص آموزگار کلاس اول، را بسیار مهم خواند و افزود: «بچه‌ها معلمی را که ظاهر شلخته و پریشان دارد دوست ندارند. فرمایشات وزیر آموزش و پرورش در خصوص آراستگی ظاهری معلمان بسیار خوب و بجا بود.»

فروش در ادامه به فعالیت‌های کلاسی آموزگار کلاس اول اشاره کرد و گفت: «تا یک ماه بعد از شروع سال تحصیلی، آموزش برنامه‌ی درسی در کار نیست. در این یک ماه می‌توان کم‌کم مهارت‌های زندگی را به بچه‌ها آموخت. در این زمینه آموزگاران می‌توانند از کتاب‌هایی در موضوع

اولیا بال مدرسه‌اند نه وبال

در ادامه‌ی این نشست، موضوع مشارکت و هم‌سویی اولیا با مدیر و آموزگار بررسی شد. فروش، کارشناس تکنولوژی، توجه به نحوه‌ی نگرش اولیا به امر آموزش فرزندان خود را بسیار مهم خواند و گفت: «بسیاری از اولیا نگرشی قالبی و سنتی به آموزش و پرورش دارند و با همین نگرش فرزند خود را به مدرسه می‌فرستند و برنامه‌های مدرسه را تجزیه و تحلیل می‌کنند. مدیر و آموزگار باید به این امر توجه و در صورت لزوم نگرش آن‌ها را بهبود بخشند. آن‌ها باید از وظایف، اهداف و برنامه‌های سالیانه‌ی مدرسه آگاه باشند. اولیا باید در جریان روش کار معلم قرار گیرند و بدانند کی و چگونه در آموزش فرزند خود مشارکت کنند.» فروش مهارت گوش کردن را یکی از مهارت‌های مدیر و آموزگار دانست. «ما باید به اولیا احترام بگذاریم و صبورانه به حرف‌ها و نظرات آن‌ها گوش دهیم. معلم ضمن اینکه خود از روش‌های مطالعه و راهبردهای یادگیری آگاهی دارد، در جلسات اولیا نیز آن‌ها را با این روش‌ها و راهبردها آشنا می‌کند. در این صورت اولیا بال آموزگار می‌شوند و نه وبال او.»

صفاری، مدیر دبستان غنچه‌های شاد، به هم‌سویی معلمان و اولیا با مدیر در تدوین برنامه‌ی سالانه‌ی مدرسه تأکید کرد و گفت: «اگر معلمان در تدوین برنامه‌ی سالانه‌ی مدرسه مشارکت و آن‌ها را ارزیابی کنند، خودبه‌خود دانش‌افزایی نیز اتفاق خواهد افتاد. مدیر باید در تدوین برنامه نگاه علمی داشته باشد و در روند برنامه سرفصل‌هایی را تعیین کند و متناسب با آن‌ها با معلمان جلسه بگذارد و برنامه را گام‌به‌گام پیش ببرد. در ضمن، دانش‌افزایی به معلمان هم کمک می‌کند تا در برنامه‌های مدرسه هم‌سو شوند. این کار می‌تواند بار زیادی از دوش مدیر بردارد.»



فرهوش

فرهوش، کارشناس تکنولوژی اداره‌ی شهر تهران، استفاده از روان‌شناسی رنگ‌ها در رنگ‌آمیزی مدرسه را بسیار مهم دانست و افزود: «گاهی زیبایی در خلوت است. نقاشی‌ها باید با هدف انتخاب شوند و در راستای برنامه‌ی درسی باشند. ایمنی هم موضوع مهمی است. میله‌های بسکتبال و والیبال، نرده‌ها و راه‌پله‌ها باید ایمن‌سازی شوند. در اتاق‌ها باید به بیرون باز شوند. نظافت مدرسه در زیبایی آن بسیار اهمیت دارد. با کشیدن خطوطی روی زمین، می‌توان حیاط مدرسه را به فضای مناسبی برای بازی بچه‌ها، به‌خصوص کلاس اولی‌ها، تبدیل کرد. به رنگ و جنس پرده‌های کلاس نیز باید توجه شود.»

مراقب وزن کوله‌پشتی بچه‌ها باشیم

کوله‌پشتی و کیف‌های بچه‌ها تا چه اندازه مناسب قد و وزن بچه‌ها هستند؟ برای کاهش وزن آن‌ها چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟ صفاری معتقد است: «در مورد کیف مدرسه، هم آموزگاران و هم اولیا باید توجیه شوند. یکی از راه‌ها این است که در تابستان و قبل از اینکه خانواده‌ها وسایل مورد نیاز فرزندانشان را تهیه کنند، آموزش‌های لازم به آن‌ها داده شود. حتی در صورت امکان، مدرسه نمونه‌ای کیف تهیه کند تا اولیا با ویژگی‌های کیف مناسب آشنا شوند. کیف مدرسه نباید چرخ‌دار باشد. هر چه قدر کیف بزرگ‌تر باشد، محتویات آن نیز بیشتر خواهند شد. سبک کردن کیف مدرسه شاید در ظاهر خیلی سهل و ساده باشد، ولی در عمل خیلی هم ساده نیست و به برنامه‌ریزی نیاز دارد. باید پرسید، آیا در مدرسه جایی برای وسایل بچه‌ها پیش‌بینی شده است تا آن‌ها هر روز این وسایل را با خود حمل نکنند؟»

شهیدی نظارت اولیا را در این زمینه مهم دانست، ولی چاره‌ی کار را در اصلاح برنامه‌ی هفتگی مدرسه دانست و گفت: «نحوه‌ی تدوین برنامه‌ی هفتگی مدرسه بسیار مهم است. ما سعی کردیم در هر روز حداکثر سه موضوع درسی قرار دهیم تا دانش‌آموزان کتاب‌های کمتری را با خود حمل کنند»

در ادامه، معصومه فرهوش، در نحوه‌ی صحیح استفاده از کوله‌پشتی گفت: «کیف‌های مدرسه ضمن زیبایی باید بندهای پهن و نرم داشته باشند و بند کمربند آن، حتی اگر مناسب وزن بچه باشد، باید به کمر بسته شود.»

صفاری با انتقاد از تشکیل بعضی گروه‌های مجازی که گاهی موجب شایعه‌پراکنی و دروغ‌پراکنی در بین اولیا می‌شوند، گفت: «در بین اولیا گروه‌های مجازی بسیاری تشکیل می‌شوند که گاه باعث شایعه‌پراکنی‌ها در مورد اقدامات

مدرسه می‌شود. این شایعات موجب نگرانی آن‌هاست. البته من سعی می‌کنم با این مسائل صبورانه برخورد کنم و به تدریج اعتماد آن‌ها را به دست آورم که تا حدود زیادی موفق بوده‌ام. اگر اولیا به مدرسه اعتماد کنند، با آن هم‌سو می‌شوند.»

وی یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های ارتباطی با اولیا را وبگاه می‌داند: «از این طریق می‌توان خانواده‌ها را از اقدامات و برنامه‌هایی که قرار است توسط مدرسه انجام شود آگاه کرد. اگر اولیا را از برنامه‌های مدرسه آگاه کنیم، دیگر مقابل آن نمی‌ایستند.»

شاداب‌سازی فضای مدرسه

یکی از موضوعاتی که عوامل مجله نیز در این نشست به آن پرداختند، توجه به فضای فیزیکی مدرسه بود. صفاری در این باره گفت: «من با شلوغ کردن دیوارها و فضای مدرسه و پر کردن آن‌ها با نقاشی‌ها و نوشته‌های زیاد موافق نیستم. معتقدم دیوارها باید فضای خالی و سفید هم به اندازه‌ی کافی داشته باشند. این کار به آرامش بچه‌ها کمک می‌کند. هر اقدامی در این زمینه باید با درایت و فکر انجام شود.» او در خصوص چگونگی تزئین مدرسه برای استقبال از دانش‌آموزان گفت: «تزئیناتی که برای بازگشایی مدرسه انجام می‌شوند قدری متفاوت‌اند و باید حس جشن را منتقل کنند.»



اشاره

در برخی جوامع به‌خاطر مشغله‌های فکری و شغلی فراوان والدین، به موضوع تربیت صحیح فرزندان و عواطف و نیازهای آنان تا حدودی بی‌توجهی شده است. در شرایطی که هم پدر و هم مادر شاغل‌اند و یا مشغله‌های فکری دیگری دارند، گاه فرزندان برای برطرف کردن نیازهای عاطفی و غیره، بیشتر به سمت وسایل و ابزار روز می‌روند. از آنجا که در برخی مدارس بیشتر بر آموزش تأکید می‌شود، و در همان بُعد آموزشی نیز از خطرهای فناوری‌های روز کمتر سخن به میان می‌آید، این بیم وجود دارد که فرزندان به مشکلاتی گرفتار شوند که گاهی با صرف هزینه‌های مادی و معنوی فراوان هم نتوان آن‌ها را رها کرد. یکی از این مشکلات بلوغ زودرس است که در این نوشتار به آن پرداخته‌ایم.

بررسی مسائل بلوغ و بلوغ زودرس

من هنوز فرصت می‌خواهم

اکرم سادات کلاکی

اهمیت موضوع

این روزها زندگی در دنیای مجازی بخش وسیعی از روزمرگی های کوچک و بزرگ ما را دربر گرفته است. در دنیایی که بازی با برنامه های تلفن همراه و تبلت و لپ تاپ، جای گرگم به هوا و الک دولک را پر کرده است، دورهمی های نوجوانان در دنیای دیجیتال، یکی از دغدغه های اصلی است. اگرچه بازی های رایانه ای به منزله ی رسانه هایی نسبتاً گسترده و جذاب می توانند در تسهیل و تسریع آموزش و یادگیری اثربخش باشند، اما متأسفانه نحوه ی استفاده از بازی های رایانه ای در راستای کمک به آموزش و فرهنگ سازی، هنوز در جامعه ی ما به حد مناسبی نرسیده است. نسلی که امروز میان سالی خود را تجربه می کند، بازی ها و سرگرمی های بسیار متفاوتی را تجربه کرده است. در آن زمان که ابزارهای مدرن حوزه ی فناوری کمتر بودند، گاهی یک برگ کاغذ سفید می توانست یک روز کامل خانواده ای را سرگرم کند، اما نسل امروز چنان اندر حصار زندگی ماشینی و هجوم رعدآسای فناوری محصور شده است که گاه ارمغان این تکنولوژی جز اسارت انسان و بی انضباطی و بی مسئولیتی او در زندگی چیز دیگری نیست. طوری که او هنوز نتوانسته است روح و جان خود را با این بازی ها هماهنگ سازد و همین عامل مهم بسیاری از اضطراب ها و نگرانی ها و از هم گسیختگی هاست.

اینک دو سؤال پیش می آید:

۱. بلوغ چیست و چه عواملی باعث ایجاد بلوغ زودرس می شوند؟
۲. اثر بلوغ زودرس در رشد جسمی، روانی و اجتماعی کودک چیست؟

پدیده ای به نام بلوغ و بلوغ زودرس

بلوغ فرایند پیچیده ای است که هر فرد در گذار از مرحله ی کودکی به بزرگسالی تجربه می کند. این فرایند در دختران حدود چهار تا پنج سال (تقریباً در نه تا ۱۳ سالگی) و در پسران حدود دو تا سه سال (تقریباً در ۱۱ تا ۱۵ سالگی) طول می کشد. **ژان ژاک روسو** بلوغ را ولادت دوم می خواند. گویی نوجوان در آستانه ی ورود به دوره ی بلوغ با جهانی نو آشنا و دیگرباره متولد می شود و افق های جدیدی در برابر دیدگانش گشوده می شوند. تحول، تغییر، نبود ثبات رفتار در این دوره، به حدی است که بعضی آن را دوره ی زندگی تشنجه آمیز و دوران منفی نامیده اند. بلوغ به نوجوان این امکان را می دهد که مهارت های جدیدی بیاموزد و به علم و اطلاعات و فراست بیشتری دست یابد.

گفته می شود که بسیاری از روابط، فعالیت ها و علاقه ها که در این سن و سال شکل می گیرند، بعدها به احتمال زیاد در زندگی پیگیری می شوند. برای مثال، اگر فردی در یازده سالگی از نواختن پیانو لذت می برد، احتمالاً در تمام عمر نواختن پیانو را دوست خواهد داشت.

اما بلوغ زودرس یعنی نوعی تکامل بلوغی که براساس استانداردهای طبیعی زودتر از سن مورد انتظار شروع می شود. بر همین اساس، عواطف و احساسات فرد را در تضاد با یکدیگر قرار می دهد. بلوغ زودرس یکی از مشکلات رو به رشد دنیای مدرن امروز است که پیامدهای فراوانی دارد. معمولاً پسران و دخترانی که زود بالغ می شوند، در آغاز بلوغ تصویری نسبتاً منفی درباره ی بدن خود دارند. ارزیابی آنان از خود نیز

روی هم رفته منفی است و از جانب هم‌کلاسان خود که هنوز دوره‌ی کودکی را می‌گذرانند، مورد قبول قرار نمی‌گیرند و تنها می‌مانند.

علت‌شناسی بلوغ

به لحاظ زیستی، علت بلوغ غده‌ای است به نام هیپوفیز که در قاعده‌ی مغز قرار دارد و همراه با غدد جنسی، هورمونی را ترشح می‌کند که با تأثیرگذاری بر سایر غدد و اثر متقابل بر یکدیگر، سبب رشد و تکامل غدد جنسی و سایر اعضای تناسلی و بروز صفات ثانویه‌ی جنسی می‌شوند.

پیچیدگی عوامل مؤثر بر زودرس شدن فرایند بلوغ سبب شده است محققان آن را از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی کنند:

۱. **عوامل وراثتی و ژنتیک:** بلوغ زودرس در بسیاری از نوجوانان تابع وراثت و ژنتیک است. یعنی مادر یا خواهر و برادر یا پدر نیز در همان سنین دچار بلوغ شده‌اند.
۲. **عوامل تربیتی و محیطی:** سطح درآمد و سواد و دانش و فرهنگ خانواده‌ها نیز در ایجاد بلوغ زودرس تأثیر دارد. بسته به اینکه نوجوان در چه خانواده‌ای زندگی کند، زمان بلوغش متفاوت است. جغرافیای محل زندگی نیز بر بلوغ بی‌تأثیر نیست. برای مثال، نوجوانانی که در مناطق گرمسیر زندگی می‌کنند، معمولاً بلوغ زودرس دارند.
۳. **بیماری‌های عصبی و وجود تومورهای مغزی:** البته ۱۰ درصد بلوغ زودرس در اثر بیماری‌های جسمی و مغزی مثل تومورهای مغزی، انسفالیت، مننژیت، صدمات و ضربه به جمجمه، هیدروسفالی و همچنین افزایش مادرزادی فعالیت غدد فوق کلیوی است.
۴. **تغذیه:** سوءتغذیه معمولاً در ایجاد بلوغ زودرس عامل مهمی محسوب می‌شود، زیرا کودکانی که تغذیه‌ی مطلوب و سالمی دارند، بلوغ را به موقع تجربه می‌کنند.
۵. **چاقی:** محققان دانشگاه میشیگان دریافته‌اند، دخترانی که ۱۰ کیلو اضافه‌وزن دارند، ۸۰ درصد بیشتر در معرض بلوغ زودرس هستند. باید خاطرنشان کرد، چاقی متوسط، سن شروع بلوغ را جلو می‌اندازد، در حالی که چاقی مفرط باعث به عقب افتادن بلوغ می‌شود.
۶. **مشاهده‌ی فیلم‌های غیراخلاقی توسط والدین:** مشاهده‌ی هر فیلمی در پیش چشم فرزندان و بدون در نظر گرفتن مناسبات سنی آن‌ها شایسته نیست.
۷. **مطالعه‌ی داستان‌های غیراخلاقی در پایگاه‌های اینترنتی و استفاده از اتاق‌های گفت‌وگو همراه با قابلیت مشاهده‌ی تصویر فرد مقابل.**

۸. **مصرف گوشت‌های هورمونی:** ما نمی‌توانیم ادعا کنیم دقیقاً مصرف گروهی از خوراکی‌های خاص باعث بروز بلوغ زودرس در کودکان می‌شود، اما برخی از عادت‌ها و الگوهای غذایی می‌توانند باعث بلوغ زودرس شوند که کاهش رشد قدی پس از رسیدن به سن بلوغ، مخصوصاً در دختر بچه‌ها، یکی از عوارض آن‌هاست. متخصصان تغذیه تأکید دارند، عادت به مصرف خوراکی‌هایی که تراکم کالری بالا اما ارزش تغذیه‌ای پایینی دارند، می‌تواند باعث ابتلای بچه‌ها به اضافه‌وزن و چاقی شود و همین افزایش وزن، زمینه‌ی بروز بلوغ زودرس را در آن‌ها ایجاد می‌کند.

انسان از لحاظ رشد دوره‌های متفاوتی دارد؛ دوره‌هایی که برخی اهمیت بیشتری دارند و برخی اهمیت کمتری. در این میان، دوره‌ی نوجوانی که از آن به دوره‌ی برزخ نیز یاد می‌شود، از اهمیت شایانی برخوردار است، چرا که نوجوان در این دوره به رشد ذهنی و بارور شدن توان عقلی می‌رسد. یعنی می‌تواند عقلاتی بیندشند و خوب و بد و زشت و زیبا را از هم تمیز

دهد. دلیل دیگر اهمیت این دوره، رفتارها و نوع مواجهه‌ی والدین با این تغییرات است؛ رفتارهایی که می‌توانند آسیب‌زا و پرمخاطره باشند و نوجوان را در مسیر رفتارهای مخرب و تهدیدکننده همچون بزهکاری، اعتیاد، ترک تحصیل و موارد دیگر قرار دهند.

گرچه امروزه با والدین تحصیل کرده و بیداری مواجه هستیم، اما با این حال وظیفه‌ی آن‌ها در قبال نوجوانان و دوران بلوغ بیش از هر زمان دیگری پیچیده‌تر و دشوارتر شده است. واقعیت تلخ و انکارناپذیر این است که تربیت صحیح فرزندان و توجه به روحیات و نیازهای آنان تا حدی مورد غفلت قرار گرفته است و همین موجب شده است نوجوانان برای رفع نیازهای عاطفی و جسمی خود به سمت وسایل و ابزار روز برون و به آن‌ها متوسل شوند و به یکباره در آماج حمله‌ی اطلاعات و تصاویری قرار گیرند که مناسب با سنشان نیست و زمانی که این اطلاعات پیش از سن طبیعی و مقرر به فرزندانمان عرضه شود، ذهن آنان را دچار تناقض می‌کند.

راه‌حل‌های مسئله

«نوجوان من زمانی دربارهی همه‌چیز با خانواده حرف می‌زد، ولی از وقتی به سن بلوغ رسیده است، حرف کمتری برای گفتن دارد.» این جمله‌ای است که بسیاری از مراجعه‌کنندگان به کلینیک‌های روان‌شناسی کودک و نوجوان به

پزشکان می‌گویند و به دنبال چاره‌ای برای آن می‌گردند.

بسیاری از پژوهشگران معتقدند، نوجوانان با ورود به سن بلوغ کنجکاوتر می‌شوند. به مرور زمان اطلاعات عمومی آن‌ها بالا می‌رود و سعی می‌کنند برای هر پرسش، جواب قانع‌کننده‌ای داشته باشند. طبیعی است کودکانی که شما سال‌ها می‌شناختید، ناگهان مهارت‌های بسیار زیادی به دست می‌آورند و اگر سخنی از دوستان خود بشنوند، آن را واقعیت محض تلقی می‌کنند. نوجوان با رسیدن به دوران بلوغ، به پرسش‌ها خیلی کوتاه و فشرده پاسخ می‌دهد و رازهایش را با دوستان خود مطرح می‌کند.

چه کنیم؟

با آگاهی کامل نسبت به عواملی که در ایجاد بلوغ زودرس و فشارهای ناشی از آن نقش دارند و با عنایت به این موضوع که دانش‌آموز به هر حال یک انسان است و ناخواسته دچار این طوفان خطرناک شده، وارد عمل شویم و روش‌هایی را به کار ببریم که در راستای تربیت انسان و عضو سازنده‌ی آینده‌ی جامعه است. پس اگر هوشیارانه به این موضوع نگاه کنیم، می‌توانیم با توجه به قابلیت‌ها و نیازهای فرزندانمان و نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها، با اجرای قوانین ساده در دنیای فناوری، با آن‌ها همگام شویم.

۱. ابعاد وجودی نوجوان و نیازهای او را بشناسیم تا بتوانیم به موقع و درست به آن‌ها پاسخ دهیم.

۲. با سرگرم کردن کودکان از طریق ایجاد سرگرمی‌ها و بازی‌های سالم یا بازی‌های گروهی، مثل اسم و فامیل، پانتومیم، و... فرصت تنها شدن در ساعت‌های طولانی را به او ندهیم.

۳. ساعت کار با رایانه یا تلفن همراه و تبلت را محدود کنیم. مثلاً می‌توانیم به بچه‌ها بگوییم هر روز فقط یک ساعت و نیم می‌توانید از اینترنت استفاده کنید.

۴. مکان‌های استفاده از این فناوری‌ها را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که در حضور اعضای دیگر خانواده انجام پذیرد؛ مثلاً می‌توانیم این وسایل را در حال بگذاریم.

۵. سایت‌های مجاز را شناسایی و به فرزندانمان معرفی کنیم.

۶. بچه‌ها را با محافل قرآنی و مذهبی مأنوس کنیم.

۷. آزادی‌های مجاز فردی بچه‌ها را متناسب با چارچوب خانواده تنظیم کنیم.

همواره باید اساس را بر پیشگیری گذاشت. یعنی سعی کنیم با افزایش آگاهی و دانش خانواده‌ها و استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای این کار، با این موضوع ریشه‌ای برخورد کنیم تا نسل‌های آینده را درست پرورش دهیم.

منابع

۱. آرام‌نیا، الهام؛ حسینی، شمس‌الدینی (۱۳۹۴). بلوغ در دختران و پسران. آوا متن.
۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. نشر نی. تهران.
۳. مهدوی‌فر، گیتی (۱۳۷۲). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سن بلوغ دختران در جوامع شهری و روستایی. رساله‌ی کارشناسی ارشد (مردم‌شناسی) دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز دانشکده‌ی علوم انسانی. تهران.
۴. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۳). مبانی روان‌شناسی رشد. انتشارات شرکت سهامی سپهر. تهران.
۵. مید، مارگارت (۱۳۶۵). بلوغ در ساموا. پژوهش در مردم‌شناسی. ترجمه‌ی مهین میلانی. ویس. تهران.
۶. قائمی، علی (۱۳۷۰). دنیای نوجوانی دختران. انتشارات امیری. تهران.
۷. قائمی، علی (۱۳۷۲). خانواده و دشواری‌های رفتاری در کودکان. انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی. تهران.
۸. امینی، ابراهیم (۱۳۵۹). آئین تربیت. اسلامی. تهران.
۹. آتشین، شعله (۱۳۵۴). دانستنی‌های بلوغ. اوحدی. تهران.
۱۰. ماهیار، آذر؛ اصلا نآبادی، سعید؛ پرویز، محسن؛ سلطانی، اکبر؛ شفیع‌زاده، محمود؛ کجیاف‌زاده، عبدالمحمد؛ نوحی، سیما؛ هاشم‌زاده، شهریار؛ ساداتیان، سیداصغر (۱۳۸۳). بلوغ جسمی و روحی روانی در پسران. ما و شما. تهران.
۱۱. گوریان، میشل (۱۳۸۲). شگفتی دختران. ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی. نقش و نگار. تهران.
۱۲. مجد، محمد (۱۳۸۱). انسان در مسیر زندگی. ویراسته‌ی مجید موحدخواه. نیک معارف. تهران.
۱۳. بریجانی، حسن (۱۳۹۳). زمانی که به بلوغ رسیده‌ام. روجین مهر. ساری.
۱۴. میرزاییگی، حسنعلی؛ فرهاد میرزاییگی (۱۳۹۴). بلوغ. آوا متن. تهران.



حمیده شفیعی ها/ششمین جشنواره ی عکس رشد

معالم

ظاهر و باطن

نقش معلم در برنامه‌ی درسی ملی و اسناد تحولی

لیلا سلیقه‌دار
مریم حسین‌زاده

یک مشاهده، یک تجربه

برای بازدید از کلاسی دعوت شده بودم تا بتوانم به همراه مدیر مدرسه به شناسایی وضع موجود کمک کنم. این مدرسه از جمله مراکز داوطلبی بود که می‌خواست طرح تعالی مدیریت مدرسه را در مجموعه‌ی خود پیاده کند. به همین علت لازم بود پیش از تعیین برنامه‌ی عمل مدرسه، از شرایطی که در آن به سر می‌برد، آشنایی و اطلاعات دقیق‌تری کسب کنیم. بدیهی است در رابطه با کلاس‌های درس، یکی از بهترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده‌ی کلاس از طریق مراجعه‌ی حضوری است.

در اولین مراجعه، این ویژگی ظاهری آموزگار بود که نظرم را به خود جلب کرد. کودکان پایه‌ی سوم ابتدایی از حضور ما شگفت‌زده و در عین حال کمی هیجانی بودند و به این علت، رفتارهای خاصی از خود نشان می‌دادند، اما هیچ‌کدام نمی‌توانست نظرم را از نوع پوشش معلم دور کند.

مانتوی معلم مانند پوشش بسیاری از کارمندان بانک و ادارات بود که زمان زیادی را روی صندلی می‌نشینند و در نتیجه دچار پلیسه‌های زشت و نامرتبی می‌شود. با اینکه مدرسه محرم‌سازی

اشاره

هم‌زمان با ایجاد تغییراتی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران که بخش عمده‌ی آن‌ها به ایجاد تحولی مبتنی بر اسنادی همچون برنامه‌ی درسی ملی انجامید، هر یک از اجزا و ارکان آموزش و پرورش، به شناسایی نقش خود در رویکرد ناشی از برنامه‌های تحولی جدید پرداختند. در این میان، بیشترین انتقادهای به ثقیل و دور از ذهن بودن عبارات و انتظاراتی معطوف است که در چنین متونی آمده‌اند. این در حالی است که بنابر اعتقاد برنامه‌ریزان، آنچه به‌عنوان نقشی از مدرسه، مدیر، معلم و یا مربی در اسناد اشاره شده، قالبی نظام‌یافته و ساختارمند از همان وظایف و نقش‌هایی است که پیش از این نیز از مدارس انتظار می‌رفت و در این نسخه تلاش شده موارد با رعایت حداکثر انسجام و به منظور ایجاد وحدت رویه در چارچوب اهداف متعالی مربوطه، ثبت و مستند شوند. بر این اساس، آموزگار به‌عنوان مجری بی‌بدیل در آموزش و پرورش، ملزم به حرکت در مسیر برنامه‌ی درسی ملی است و این ضرورت ایجاد می‌کند نقش وی با شفافیت و وضوح بالا به تصویر کشیده شود. مقصود نوشته‌ی پیش‌رو پرداختن به این ضرورت است.



بدیهیات، بنا به دلایل گوناگون از جمله ساده و روشن بودن، ممکن است از توجه خارج شود، اما نمی‌توان انکار کرد که هرگز از محدوده‌ی تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان خارج نمی‌شوند.

یک آزمون ساده

در هر گزاره، بر اساس شناختی که از خود دارید، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

پس از تعیین علامت مربوط به هر گزاره، با توجه به عدد داخل پرانتز (همیشه ۳، معمولاً ۲ و خیلی کم ۱) اعداد هر ستون را شمارش و در محل مناسب درج کنید. سپس جمع هر سه ستون را در بخش مجموع ذکر کنید. برای تفسیر نتیجه‌ی حاصل شده به جدول زیر توجه کنید:

نظم، پاکیزگی و آراستگی در کلاس درس

تأکید بر ظاهر معلم، نه تنها به دلایل حرفه‌ای که تأثیر گذاری را بنا بر نقش الگویی خود دربردارد، بلکه به عنوان دستور دینی حائز اهمیت و توجه است. در بسیاری از روایات و متون مربوط به دین مبین اسلام، لزوم اهتمام بر پاکیزگی و آراستگی، به روشنی و با رعایت چارچوب‌ها تعیین شده است. از بین نمونه‌های فراوان، در «وسایل الشیعه» به نقل از امام صادق (ع) آمده است: «لَيْسَ وَ اتَّجَمَّلُ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَلَيْكُنْ مِنْ حَلَالٍ» (امالی (طوسی): ۶۸۳، ح ۱۴۵۴؛ مجموعه‌ی ورام، ج ۲: ۹۱): می‌پوشم و خود را می‌آرایم، زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، ولی باید از حلال باشد. همچنین آراستگی به معنای تناسب در ظاهر و رعایت نظم در آن است، به گونه‌ای که آشفته‌گی از آن برداشت نشود، با این نگاه، سفارش حضرت علی (ع) مورد پیروی قرار گرفته است، هنگامی که ایشان در وصیت

شده بود و معلمان اجازه داشتند در کلاس از روسری یا مانتوی شاد و مناسبی استفاده کنند، اما رنگ و شکل مقنعه و پوشش معلم تیره و به هم ریخته نشان می‌داد. از آن مهم‌تر اینکه تنها دو بار لبخند او را در طول کلاس مشاهده کردیم؛ یکی با ورودمان به کلاس و دیگری موقع خروجمان از کلاس!

این بخش از مشاهده، مرا به یاد تأییدات و

تکرارهای بی‌پایان استادانمان در دوره‌های تحصیلی

دانشگاه می‌انداخت که بدون اغراق، در تمامی کلاس‌ها، بر ویژگی آراستگی ظاهر معلم و نه لزوماً تجملی بودن و نیز روی گشاده‌ی معلم تأکید و پافشاری می‌کردند و آن را از صفات جدانشدنی معلم می‌دانستند.

حالا با گذر از آن سال‌ها و آموخته‌های دانشگاهی، دیگر اسناد و متون بالادستی هم به این انتظار به عنوان یک ویژگی در تعریف معلمی اشاره می‌کنند. برنامه‌ی درسی ملی در بند اول از تعریف معلم یا مربی، او را فردی معرفی می‌کند که در مسیر راه انبیا و ائمه‌ی اطهار اسوه است. ضمن یادآوری این نکته که اسوه بودن معلم حیطه‌ی بسیار گسترده‌ای دارد و به منظور ایجاد امکان جمع‌بندی موضوع در این نوشته، تنها به بخشی از آن توجه شده است. از شما دعوت می‌شود پیش از مطالعه‌ی ادامه‌ی این بحث، به آزمون زیر پاسخ دهید. در حین مطالعه‌ی موارد، لطفاً به این موضوع بیندیشید که تمامی موارد، به صورت تجربی، در برخی مطالعات و مراجعات به مدارس و کلاس‌های درس، برخی آموزگاران مشاهده شده و این در حالی است که آن‌ها از برنامه‌ی بازدید از کلاسشان نیز مطلع بودند. در نتیجه به این اندیشه می‌افتید که شرایط آن همکار گرمای در نبود ناظران نیز دور از انتظارات حرفه‌ای است. بنابراین، گاهی برخی

ردیف	گزاره	همیشه (۳)	معمولاً (۲)	خیلی کم (۱)
۱	لبخند جزو جدایی‌ناپذیر چهره‌ی من در کلاس است.			
۲	هر بار قبل از ورود به کلاس خودم را در آینه می‌بینم.			
۳	بهترین پوشش‌م را برای مدرسه و کلاس در نظر می‌گیرم.			
۴	داشتن روی خوش همراه با بوی خوش در کلاس را رعایت می‌کنم.			
۵	به وجود تناسب بین لباس، کفش، کیف و ظاهرم برای حضور در کلاس درس توجه دارم.			
۶	از تجملات و زیورآلات پرهیز می‌کنم.			
۷	در انتخاب پوشش مناسب کلاس درس، با نگاهی حرفه‌ای، تناسب رنگ و مدل را با توجه به دوره‌ی سنی دانش‌آموزانم در نظر می‌گیرم.			
۸	در مدرسه لباس‌هایم اتو کشیده و مرتب هستند.			
۹	با ترفندهای گوناگون، حتی با امتناع از خوردن برخی مواد، مراقب بوی ناخوشایند دهان و بدنم هستم...			
جمع هر ستون				
مجموع				

خود فرمودند: «من شما دو نفر - حسن (ع) و حسین (ع) - و همه‌ی فرزندان و خانواده‌ام و هر کس را که نامه‌ام به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارتان سفارش می‌کنم».

آراستگی در کنار پاکیزگی معنا و جان می‌یابد. در این خصوص، خداوند خطاب به رسولش می‌فرماید: «و ثيابك فطهر» (مدثر/ آیه‌ی ۳)، این‌گونه است که انبیا نیز پاکیزه و طاهر بودند.

بدون هیچ تردید، آراستگی که در آن نظم ظاهری، پاکیزگی و تناسب مورد توجه باشد و از تجملات دوری گزینند، برای هر معلمی در مقام مربی ضروری و پراهمیت است و میزان علاقه‌مندی و تمایل دانش‌آموزان را به بودن در کنار ایشان و نیز پیروی از وی افزایش می‌دهد؛ ضمن آنکه به نیاز زیبایی‌دوستی دانش‌آموز پاسخ می‌دهد و برای او الگویی از یک مسلمان به نمایش می‌گذارد. بدیهی است در این کلاس میزان درگیری با دانش‌آموزان برای جلب توجه متعادل آنان به ظاهر خود، به‌ویژه هنگامی که با دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی مواجه هستیم، کاهش چشمگیری خواهد داشت.



حال در کلاس درس و از نگاه کودک دوره‌ی ابتدایی به آموزگاری بیندیشید که لیخند زدن برایش کار سختی است و بر همین اساس، یادگیری دانش‌آموزان از طریق خنده و شادی، امری عجیب و دور از ذهن و شاید هم بیهوده است. آیا با این توصیف، شرط پیروی از مسیر ائمه‌ی اطهار مورد توجه قرار گرفته و وی اسوه‌ی عملی شایسته‌ای برای دانش‌آموزان خود است؟!

از بارزترین نشانه‌های روی گشاده تبسم است و در هر شرایطی هیچ دلیلی نمی‌تواند توجیه‌کننده‌ی چهره‌ی بدون لیخند معلم در روبرویی با کودک باشد. معلمی که خوش خلقی و رأفت را روش خود قرار می‌دهد، میزان تمایل و جذب دانش‌آموزان را به سوی خود و کلاس بیشتر فراهم می‌آورد. در این شرایط، دغدغه‌ی بزرگ‌معلمانی که به نحوه‌ی ایجاد انگیزه در فراگیرندگان خود می‌اندیشند، پاسخ داده می‌شود و احساس آرامش و امنیت روانی آن‌ها موجب همدلی افزون‌تر و در نهایت بازدهی آموزشی بیشتری خواهد بود. مهم‌تر از آن، این الگوی عملی دانش‌آموزان را به داشتن خلق و خوی اسلامی و انسانی ترغیب می‌کند. این در حالی است که در نقطه‌ی مقابل و در کلاس‌هایی که معلم هنوز به این باور نرسیده است که شادی در ماندگاری یادگیری مؤثر است، نمی‌توانیم چهره‌ای از معلم شاهد باشیم که می‌تواند به سادگی و به کرات لیخند را بر چهره‌ی خود استوار دارد. و این‌گونه است که درس او در دل و یاد دانش‌آموزان عمری طولانی ندارد. در این‌باره، امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرگاه عالمی به دانش خود عمل نکند، گفتارش در دل‌ها نفوذی ندارد، چنانچه آب باران در کوه صفا نفوذ نمی‌نماید.» (اصول کافی، ج ۱)

محبتی که جمعه به مکتب آورد...!

از دیگر مواردی که به تعریف معلم به‌عنوان الگوی رفتاری مربوط و مورد نظر این نوشته است، می‌توان به گشاده‌رویی اشاره کرد. روی خوش و تبسم، نه تنها برای معلم، بلکه برای هر مؤمنی مورد تأیید متون دینی ماست. برای نمونه از امام صادق (ع) نقل شده است: «إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ وَ لِسَانٌ لَطِيفٌ وَ قَلْبٌ رَحِيمٌ وَ يَدٌ مُعْطِيَةٌ». بهشتی‌ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده. (وسائل الشیعه، ج ۳: ۴۰۴)

نتیجه‌ی به دست آمده	تفسیر
نمرات بین ۳۰ تا ۳۶	اوضاع، از نظر شرایط ظاهری آموزگار و گشاده‌رویی، با ملاک‌های یاد شده مناسب است. بر این رفتار خود مداومت کنید و فراموش نکنید ممکن است کمی بی‌توجهی به یک ویژگی خوب، آن را در اثر مرور زمان کمرنگ کند و از میان ببرد. بر این اساس، کتاب‌هایی را که انگیزه‌ی معلمی را به شما یادآوری می‌کند، در اولویت مطالعه قرار دهید: مانند کتاب «نغمه‌ی عشق آموزگار» اثر جک کنفیلد و ترجمه‌ی آذر نجفی که در قالب داستان‌هایی، ظرافت‌های معلمی را به تصویر می‌کشد.
نمرات بین ۲۴ تا ۳۰	لازم است در اولین فرصت از کلاس درس خود فیلم بگیرید و در فرصت مناسب آن را تماشا کنید. با تأکید بر ویژگی‌های ظاهری و رفتاری خود، به بررسی بیشتر و شناسایی نقاط ضعف و قوت در اوضاع ظاهری و رفتاری خود دست بزنید. هنگام تماشای فیلم می‌توانید از دیگر همکارانتان دعوت کنید نظرها و پیشنهادهای خود را ارائه دهند.
نمرات بین کمتر از ۲۴	همچنین، مطالعه‌ی برخی کتاب‌ها برایتان سودبخش و مؤثر است. از آن جمله کتاب «همه‌چیز برای معلمان» نوشته‌ی رن کلارک و ترجمه‌ی فرشته مجیب است که راهنمایی ساده و در عین حال مفیدی برای رفتار معلم در کلاس و مدرسه دارا است.
	در شرایطی قرار دارید که لازم است در خصوص ویژگی‌های آموزگار ابتدا کتاب‌های مرتبطی مطالعه کنید و نیز با کمک گرفتن از همکارانتان، از کلاس‌های درسشان بازدید کنید. در این بازدید، بر ویژگی‌های رفتاری و ظاهری آن‌ها تمرکز کنید و تلاش کنید تفاوت‌های بین خودتان و دیگر همکاران را، در صورتی که موفقیت‌هایی در این‌باره دارند، کشف کنید. برای شروع کتاب «آداب تعلیم و تعلم در اسلام» از نوشته‌های ارزشمند سیدمحمدباقر حجتی را در اولویت قرار دهید.



اشتباهات داستانی

طاهره شیرخانی
آموزگار مرکز درمان اختلالات یادگیری
شهید عابدین پور، بابلسر
تصویرگر: نسیم نوروزی

● آموزگاران عزیز توجه دارند
که می‌توان برای تقویت مهارت
خواندن یا نوشتن، دانش‌آموزان
را پای تخته آورد و از آن‌ها
خواست داستان را بخوانند یا
بنویسند و سپس پاسخ دهند.
کوتاه بودن و به مرور پیچیده‌تر
شدن مطالب پایانی داستان،
می‌تواند باعث جذابیت فعالیت
شود.

با توجه به اینکه امروزه عده‌ای از دانش‌آموزان با مشکل خواندن مواجه‌اند و انگیزه و تمایلی به خواندن نشان نمی‌دهند، به جرئت می‌توان گفت که آموزش از طریق بازی، بهترین شیوه‌ی یادگیری است. من بازی‌های متعددی را برای آموزش دادن به دانش‌آموزانم ابداع کرده‌ام. یک نمونه از آن‌ها، که حدود چند سالی است در مرکز «درمان اختلالات یادگیری» برای بچه‌ها به کار می‌برم و نتیجه‌ی مثبت آن را دیده‌ام، «اشتباهات داستانی» است. این بازی را می‌توان برای برآوردن اهداف زیر به کار برد: - تقویت توجه، تمرکز، دقت و درک شنیداری کودکان دبستانی - تقویت خواندن دانش‌آموزانی که ضعف خواندن دارند.

نحوه‌ی بازی

آموزگار داستان را برای کودکان می‌خواند. آن‌ها باید اشتباهات داستان را با گوش دادن تشخیص بدهند و بگویند.

نمونه‌ی داستان داستان پای زخمی

امروز صبح، وقتی علی از خانه بیرون آمد، از خورشید باران شدیدی می‌بارید. او برای اینکه خیس نشود، چترش را بست و به طرف مدرسه حرکت کرد. در راه مدرسه یک سگ بزرگ را دید که بلند بلند میو میو می‌کرد. او خیلی ترسید و شروع به دویدن کرد، ولی پایش خیلی درد گرفت، چون زخمی شده بود. ولی او با همان پای زخمی به طرف مدرسه رفت. و ماجرا را به معلمش گفت و مادرش یک چسب زخم به دستش زد تا زودتر خوب شود. مریم از معلمش عذرخواهی کرد و سرجایش نشست.

بازدید از موزه‌ای در تجریش

همه چیزش حسابی بود

محمود یحیوی



در این زمینه، آموزگاران می‌توانند از زندگی و فعالیت‌های دکتر محمود حسابی رهنمودها و داستان‌هایی برای دانش‌آموزان خود تعریف کنند. موزه‌ی دکتر حسابی در محل خانه‌ی وی تأسیس شده است. دکتر حسابی به طبیعت و حیوانات علاقه داشته و در حفظ محیط زیست می‌کوشیده است.

دکتر محمود حسابی

دکتر محمود حسابی در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد. در پنج‌سالگی همراه با خانواده‌اش عازم بیروت شد. پدرش، معزالسلطنه، کنسول ایران در سرزمین شام بود. اما پس از مدت کوتاهی خانواده‌اش را ترک کرد و به تهران بازگشت. بدین ترتیب، دکتر حسابی در غربت و همراه با مادر و برادرش در منزل حاج علی تفرشی، نگهبان سفارتخانه‌ی ایران، به سختی روزگار می‌گذرانید. دکتر حسابی در این دوران از کار و تحصیل غفلت نکرد و تحصیلات متوسطه را در یک کالج و بعد تحصیلات دانشگاهی را در رشته‌ی ادبیات دانشگاه بیروت گذراند.

و خانواده به همدان رفته‌اند تا در آن‌جا زندگی کنند. در تابستان آقای امیری از برادرش دعوت می‌کند به همدان سفر کند. همدان مکان‌های تاریخی و طبیعی بسیاری دارد. آیا نام آن‌ها را می‌دانید؟ آیا از آن‌ها دیداری داشته‌اید؟

موزه‌ی حسابی

موزه‌ها انواعی دارند. موزه‌ی تاریخ و باستان‌شناسی، موزه‌ی مردم‌شناسی، موزه‌های منطقه‌ای، موزه‌های سیار و موزه‌های اندیشمندان و پارک موزه‌ها از انواع موزه هستند.

موزه‌ی دکتر حسابی در تهران، پس از درگذشت وی، در سال ۱۳۷۱ در محل خانه‌ی او ایجاد شد. در این موزه وسایل شخصی، مدارک علمی و تحصیلی، تقدیرنامه‌ها و عکس‌های قدیمی و کتاب‌های دکتر محمود حسابی نگهداری می‌شوند. ساختمان این موزه در سال ۱۳۱۰ در سه طبقه ساخته شده است.

باغ موزه‌ی دکتر حسابی به همت خانواده‌ی وی از جمله پسرش، ایرج حسابی برپا شده است.

اشاره

در این دوره از مجله قصد ما این است اطلاعات و مطالبی درباره‌ی موزه‌ها به خوانندگان بدهیم. موزه مؤسسه‌ای است دائمی که در آن به روی همگان باز است. هدف آن نیز به نمایش گذاردن آثار و شواهد به جای مانده از انسان و محیط زیست اوست. خوشبختانه در کشور ما موزه‌های بسیاری وجود دارند که با دیدن آن‌ها می‌توان به هدفی دیگر از جمله گردشگری و آشنایی با شهرها و روستا و ویژگی‌های آن‌ها رسید. در این شماره به سراغ موزه‌ی دکتر حسابی در تجریش تهران می‌رویم.

درس موزه

آموزگاران می‌توانند برای روزهای تعطیل هفته یا تابستان، با الگو گرفتن از مطالب کتاب درسی، برنامه‌های خوبی به دانش‌آموزان خود معرفی کنند که یکی از آن‌ها بازدید از موزه‌هاست.

همان‌گونه که در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم، در بخش سفری به شهرهای باستانی می‌خوانید، آقای امیری



مثنوی مولوی، منشآت قائم مقام، اشراف کامل داشت.

برخی اقدامات دکتر حسابی در ایران

تأسیس دارالمعلمان تهران
تأسیس دانش سرای عالی و تدریس فیزیک و مکانیک در آن
ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی ایرانی
نصب اولین دستگاه رادیولوژی (برای برادرش دکتر محمد حسابی)
بنیان گذاری فرهنگستان زبان ایران
تأسیس دانشگاه تهران و ریاست و تدریس در آن دانشگاه
برپایی اولین رصدخانه‌ی نوین در ایران
تأسیس انجمن فیزیک ایران و ...

محمد حسابی

در همان ایام، در پرینستون آمریکا با اینشتین آشنا و به عنوان تنها ایرانی، همراه تحقیقات وی شد.

پس از آن به فکر بازگشت و خدمت به وطن افتاد و پس از سال‌ها به خاک ایران قدم گذاشت. او در ایران با سختی فراوان کارهای علمی بسیاری انجام داد.

پدر فیزیک ایران

۱۲ شهریور ۱۳۷۱ روز پایان حیات مردی است که در طول زندگی یک لحظه هم فکر توقف و سکون را به ذهنش راه نداد همین وصف کوتاه کافی است تا نام پروفیسور محمود حسابی، «پدر فیزیک ایران»، را به یادها بیاورد؛ کسی که در سال ۱۳۶۸ مرد علمی سال جهان انتخاب شد. او در کودکی توسط مادری فداکار، متدین و فاضله‌ی خود (خانم گوهرشاد حسابی)، تحت آموزش تعلیمات مذهبی و ادبیات فارسی قرار گرفته بود و با تعلیم این استاد دلسوز، قرآن کریم را حفظ کرده بود و به آن اعتقادی ژرف داشت. دیوان حافظ را نیز از بر بود و به بوستان و گلستان سعدی، شاهنامه‌ی فردوسی،

پس از آن به تحصیل در رشته‌ی راه و ساختمان، بعد معدن و سپس ریاضیات و ستاره‌شناسی پرداخت و در همه‌ی آن‌ها موفق به دریافت مدرک شد.

در سال ۱۳۰۵ برای تحصیل حقوق وارد دانشگاه سوربن شد و پس از دو سال تحصیل در این رشته، به گذراندن دوره‌ی پزشکی و ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی ریاضیات و ستاره‌شناسی پرداخت. سپس موفق شد از دانشکده‌ی برق پاریس مدرک مهندسی برق بگیرد. در این مدت، ضمن تحصیل، در یک دفترخانه‌ی اسناد رسمی در بیروت، یک آزمایشگاه بیولوژی و راهسازی برای یک شرکت فرانسوی در لبنان و سپس راه‌آهن برقی در فرانسه مشغول به کار بود.

ورود به وادی فیزیک

دکتر حسابی روزی به این فکر افتاد که چرا شغل‌هایی که داشته است باعث رضایت خاطر او نشده‌اند؟ برای یافتن پاسخ به وادی فیزیک گام گذاشت و با تلاش زیاد در ۲۷ سالگی موفق به اخذ دکترای فیزیک از دانشگاه سوربن شد.



شازده کوچولو
کارگردان: مارک آزبرون
نویسندگان: ایرنا بریگنال،
باب پرسیشتی
جوایز:
برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم
پویانمایی در مراسم سینمایی
سزار
اسکار فرانسه - ۲۰۱۵

در انیمیشن
شازده کوچولو به
همه‌ی این سؤال‌ها و
خیلی سؤال‌های دیگر
پاسخ داده شده است؛
در جایی که روباه از شازده
کوچولو می‌خواهد از درپچه‌ی
قلیش به دنیا نگاه کند و به این نکته
اشاره می‌کند که خیلی چیزها با چشم
ظاهری قابل دیدن نیست، با دیدن این
فیلم به این نکته خواهیم رسید که بچه‌ها
موجودات عجیبی نیستند، این ما هستیم که
گاهی اوقات با رفتارهای عجیب و نادرستمان در
مقابل کنجکاو‌های مثبت آن‌ها می‌ایستیم.

اکثر ما دوران کودکی را مرحله‌ای قبل از
بلوغ فکری با افکار سطحی و خدشه‌دار تصور
می‌کنیم. به همین سبب، بعد از بلوغ، سعی در
پنهان کردن طرز فکر و نگاه خود در این دوره
از زندگی داریم؛ غافل از اینکه بخش اعظمی از
شخصیت امروز ما در دوران کودکی مان تبلور
یافته است.

فراموش کردن دوران کودکی، نه تنها در
زندگی شخصی عواقبی جبران‌ناپذیر دارد،
بلکه در زندگی کودکان ما نیز رسوخ کرده
است و باعث ایجاد شکاف بین اولیا - فرزندان
یا آموزگاران - شاگردان و... می‌شود و این
نشان‌دهنده‌ی بحرانی غیر قابل انکار برای نظام
آموزشی ماست.

پویانمایی شازده کوچولو، با اقتباس از کتاب
تحسین شده‌ی **آنتوان دوسنت اگزوپری**،
سعی در نشان دادن همین معضل دنیای مدرن
امروز دارد که نامش را می‌توان فراموش کردن
حقیقت کودکی گذاشت.

دختری کوچک که در دنیای بزرگسال‌ها با
مادرش زندگی می‌کند و سعی می‌کند خودش
را برای این دنیا آماده کند. همسایه‌شان یک
خلبان است که او را با دنیای عجیبی آشنا
می‌کند که در آن هر چیزی ممکن است؛
دنیای شازده کوچولو.

نویسنده، با هوشمندی، داستانش را با داستان
شازده کوچولو گره زده و با به تصویر کشیدن
آینده‌ی شخصیت‌های این رمان، سعی در به
چالش کشیدن قوه‌ی خیال‌پردازی مخاطبان
و تحریک آن‌ها برای قرار دادن خود در شرایط
شخصیت‌های داستان و دیدن دنیا از زاویه‌ی
نگاه آن‌ها دارد؛ دنیایی که در این داستان به
ما نشان داده شده، پر است از استرس‌ها و
روزمرگی‌هایی که پایانی برای آن‌ها نیست؛
هزار تویی که کسی نمی‌تواند انتهای برای
آن متصور شود، جایی خالی از لطافت‌های
کودکی؛ دنیای سیاهی که همه در آن در حال
دویدن‌اند، ولی به کجا، کسی نمی‌داند!
سیارکی که شازده کوچولو در آن زندگی
می‌کند، نماد دنیایی است که هرکدام از ما
برای خود ساخته‌ایم؛ دنیایی که اندازه‌ی آن
با افکار ما رابطه‌ی مستقیم دارد. دنیایی که
ارتباطات جایی در آن ندارد، چون فقط ما در
آن هستیم، تنهای تنهای تنها.

برای آنکه چیزی را آموزش دهیم، اول
باید خود آن را درک کرده باشیم. روی
صحبت با آموزگاران محترم است.
در روز چقدر در اتمسفر دنیای
کودکی تان نفس می‌کشید؟ شما
در کودکی چه نیازهایی داشتید
که به آن‌ها مجال بروز داده
نشد؟ به نظرتان چرا ارتباط
بین کودکان این قدر سریع
و ساده شکل می‌گیرد؟
آیا تا به حال به این
فکر کرده‌اید که
کودکان چیزهایی
را می‌بینند که ما
بزرگ‌ترها قادر
به دیدن آن‌ها
نیستیم!



نقدی بر پویانمایی
شازده کوچولو

گمشده در شهر فرنگ

مهران نعمت‌اللهی

سه روز در وُرو

فردین ویسی

معاون آموزگار دبستان انبیاء هَنگه ژاله و وُرو – مریوان

روستای وُرو
عکاس: بهمن شهبازی



معصومیت و
سادگی از من
پرسید: چرا من
فقط دو روز باید

به مدرسه بیایم، ولی
دانش‌آموزان روستاهای دیگر تمام

هفته به مدرسه می‌روند؟ من هم با تکیه بر قانون و مقررات
خشک برایش شرح دادم که چون تعداد دانش‌آموزان مدرسه‌ی
شما کم است، با روستای دیگر ادغام شده است و فقط یک
آموزگار هر دو مدرسه را اداره می‌کند و روزهای هفته برای هر دو
مدرسه است و سهم شما دو روز است.

انگار در دنیای ساده و معصومانه‌ی او جایی برای این قوانین
خشک و سخت نبود. با نگاهش ناراضایتی و ناراحتی‌اش را بیان
کرد.

حال مدتی است سؤال این دانش‌آموز برای خود من هم
مسئله‌ای شده است و بارها در مورد آن فکر کرده‌ام. از خودم
می‌پرسم، آیا نمی‌شود فکری، راه حلی یا برنامه‌ای برای این گونه
مدارس و دانش‌آموزانشان در نظر گرفت؟ آیا سهم او از مدرسه
فقط دو روز در هفته است؟

بعد از بیست و هشت سال خدمت، به دلایلی تصمیم گرفتم در
سال تحصیلی (۹۵ - ۹۴) در یکی از روستاها و مدارس چند پایه
تدریس کنم. از آنجا که سازمان‌دهی آموزگاران به صورت اینترنتی
بود، از سایتی که به همین منظور طراحی شده بود، اطلاعاتی در
مورد روستاهای منطقه به دست آوردم و یکی از آن‌ها را انتخاب
کردم. بعداً متوجه شدم این روستا به دلیل کمی دانش‌آموز، با
روستای دیگری که تعداد دانش‌آموزان آن هم به قولی زیر حد
استاندارد بود تجمیع شده بود. روزهای هفته در میان آن‌ها تقسیم
می‌شود. یعنی من دو روز هفته در روستای «هَنگه ژاله» سه روز
دیگر در روستای «وُرو» تدریس می‌کنم. لازم است ذکر کنم که
در هر دو روستا، از میان شش پایه‌ی تحصیلی، دو نفر پایه‌ی اول
دارم که این دانش‌آموزان پنج روز را در مدرسه نیستند و چون
تکرار و تمرین ندارند و در منزل هم کسی نیست با آن‌ها کار
کند، تا هفته‌ی آینده که به مدرسه می‌آیند، درس‌ها را فراموش
می‌کنند و من باید دوباره همان درس‌ها را برایشان تکرار کنم. این
کار هم باعث عقب‌افتادگی آن در درس‌ها و هم به خاطر تکرار
حجم زیاد درس‌های فراموش شده، باعث خستگی و بی‌زاری‌شان
می‌شود.
در یکی از روزها، بعد از درس، یک دانش‌آموز پایه‌ی اول در کمال

آمارت را داریم

نمونه‌های آماری در کتاب‌های درسی ابتدایی و لزوم آمارگیری و سرشماری

زهره پیرهادی

اشاره

هنوز مدت زیادی از آغاز ماه اول مدرسه نگذشته است. به صفحات و درس‌هایی رسیده‌ایم که مصداق‌ها و مثال‌های واقعی آن‌ها از طریق رسانه‌ها اطلاع‌رسانی می‌شوند.

من فکر می‌کنم آمارگیری یک فرصت استثنایی است که هر پنج سال یک بار دست می‌دهد تا بتوانم این موضوع را در کلاس به گونه‌ای مشهود معرفی کنم. برای مثال، در مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم، دانش‌آموزان با نام پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران روبه‌رو می‌شوند.

آیا آن‌ها نمی‌پرسند این ارقام چگونه به دست آمده‌اند یا وقتی در مطالعات اجتماعی پایه‌ی پنجم بحث جمعیت پیش می‌آید، آیا شما می‌توانید بدون نگاه به جمعیت گذشته‌ی ایران و برنامه‌ریزی برای آینده‌ی آن‌ها، از جمعیت حال حاضر صحبت کنید؟

وقتی دانش‌آموز من با جمعیت، مساحت و نمودارهای روند مصرف آب یا مواد غذایی در طول دوره‌هایی چند ساله مواجه می‌شود، باید به او بگویم که این اعداد و ارقام چگونه به دست آمده‌اند. همه‌ی این‌ها می‌تواند اهمیت موضوع آمار و برنامه‌ریزی را نشان دهد.

داشتن آمار دقیق برای همگان مهم است. برای مثال، وقتی یک آموزگار می‌خواهد از دانش‌آموزان خود امتحان بگیرد، باید آمار تعداد آن‌ها را در اختیار داشته باشد تا بداند چند برگه برای آن امتحان آماده کند و در اختیار دانش‌آموزانش قرار دهد. مدیر مدرسه به دانش‌آموزان اعلام می‌کند که آخر هفته می‌خواهیم یک اردوی تفریحی یا زیارتی برگزار کنیم. هر دانش‌آموزی دوست دارد در این اردو شرکت کند؛ با رضایت‌نامه‌ی والدین به دفتر مراجعه کند. آمار در این اردو هم نقشی تعیین‌کننده دارد. برای مدیر و عوامل هماهنگ‌کننده‌ی اردو خیلی مهم است بدانند چند نفر در این اردو شرکت می‌کنند تا از یک طرف برای دانش‌آموزان وسیله‌ی ایاب و ذهاب تدارک ببینند و از طرف دیگر به مقدار کافی غذا، آب و تنقلات تهیه کنند.

● در ایران هم، مانند بسیاری از کشورهای دنیا، سرشماری اجرا می‌شود تا بدانیم برای چه جمعیتی باید برنامه‌ریزی کنیم. اولین سرشماری رسمی در ایران در سال ۱۳۳۵ انجام شد. بعد از آن، هر ۱۰ سال یک بار سرشماری عمومی نفوس و مسکن اجرا شد. بعد از انقلاب اسلامی نیز مرکز آمار ایران سرشماری‌ها را هر ۱۰ سال یک بار اجرا کرد تا اینکه بعد از سرشماری سال ۱۳۸۵، اجرای سرشماری در ایران ۵ ساله شد.

من
به عنوان آموزگار و
با استفاده از روش های تعاملی در
کلاس، به دانش آموزانم می گویم در خانه
و در این زمینه بحث و خانواده را به همکاری با
مأموران سرشماری تشویق کنند.
با تکمیل برگه ی اینترنتی، یک کد آماری دریافت
می کنید که با مراجعه ی مأمور سرشماری می توانید
آن را به وی تحویل دهید. در پایان، به دانش آموزانم
می گویم، هر کدام از شما یک همیار سرشماری
هستید. آن ها در این زمینه به گفت و گو
می پردازند و می دانند کار مهمی
انجام داده اند.

آیا می دانید:

- براساس کتیبه ها و سنگ نوشته های به جا مانده از دوران هخامنشی (۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد) ایرانیان از دیر هنگام به اهمیت آمار و کاربرد آن در امور لشگری و کشوری واقف بوده اند.
- الواح کشف شده در بنای تخت جمشید نیز وجود اطلاعات اداری در دفاتر ثبت مالیات، ثبت امور نظامی، جدول های حقوق کارکنان و تنظیم بودجه ی مملکتی را تأیید کرده اند. واژه های همار و شاهمار از جمله واژه های مورد استفاده در آن دوران هستند که به معنای شمارش و سرشماری به کار می رفته اند.
- با وجود این سابقه ی کهن، اولین تلاش ها برای جمع آوری آمار به روش نوین در کشور، در زمان ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۷۵-۱۲۲۷ هجری شمسی) و مهم ترین آن ها توسط **عبد الغفار خان نجم الدوله**، معلم ریاضی مدرسه ی دارالفنون، و برای اندازه گیری نفوس دارالخلافه (تهران) در سال ۱۲۴۶ هجری شمسی انجام شد. در این سرشماری، با استفاده از نقشه های آماری، تهران به پنج منطقه تقسیم و جمعیتی بالغ بر ۱۵۵۷۳۶ نفر شمارش شد.
- اولین سرشماری سراسری نفوس در ایران در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهر کاشان اجرا شد و تا شهریور ماه سال ۱۳۲۰ شمسی ۳۵ شهر ایران سرشماری شدند. با گسترش دامنه ی جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به کشور در همان سال، انجام این سرشماری ناتمام ماند.
- در مهر و آبان سال جاری، هشتمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن اجرا می شود. مسئولان در نظر دارند از سوم مهرماه به طریق اینترنتی این مهم را به انجام برسانند. فکر کنید، اگر برای جمعیت ۷۹۲۳۹۷۴۰ میلیون نفری کشور، با تعداد ۲۵ میلیون خانوار، ثبت اطلاعات به صورت دستی و کاغذی انجام شود، چقدر زمان و هزینه نیاز است؟



تصویرگر: نسیم نوروزی

پاسخ به نامه‌ها

حسین گوگونانی، فریدون شهر؛ «فرا تحلیلی از تأثیر دخالت والدین در پیشرفت تحصیلی».

تهران: محبوبه کاشی، اسلامشهر؛ «جایگاه سؤال کردن در مدارس ابتدایی».

رقیه مکاری، اسلامشهر؛ «توصیه برای تدریس موفق».
زهرا نوروزی، دبستان نشاط، منطقه‌ی چهار تهران؛ مقاله‌ی «تعالی مدیریت مدرسه» را برای مجله‌ی رشد مدیریت مدرسه بفرستید

ذبیح‌الله فتاحی؛ فایل ارسالی شما درباره‌ی اقدام‌پژوهی خالی بود.

خراسان جنوبی: یدالله استواری، حامد استواری، فردوس؛ «نگاهی بر پژوهش‌های مرتبط با تربیت دینی در دبستان».

خراسان رضوی: خدیجه سلطان‌پور، فاطمه صیامی، ناحیه‌ی ۱ مشهد؛ مقاله‌ی «ردیاب خودرو» و «سواد رسانه‌ای».

خوزستان: مینا خزاعیان، ماهشهر؛ «احترام به بزرگ‌ترها»
فریده قاسمی؛ «بررسی میزان توانمندی آموزگاران کارونی»

کردستان: حامد تبنا، مرکز اختلالات یادگیری مریوان؛ «همدلی با فرزند ناتوان». ممنون از ارسال عکس، اما به کیفیت آن‌ها نیز توجه داشته باشید.

همراهان گرامی، سال جدید تحصیلی را در حالی شروع می‌کنیم که بسیاری نامه‌های خوانندگان مجله را تا دوره‌ی پیش پاسخ داده‌ایم. امسال نیز بسیاری نامه و ایمیل داریم که به مرور به آن‌ها پاسخ خواهیم داد. برخی از نامه‌ها یا نوشته‌ها با نظر مساعد کارشناسان شورای برنامه‌ریزی مجله مناسب استفاده تشخیص داده می‌شوند، اما تعدادی نیز به دلایل گوناگونی از جمله طولانی یا تکراری بودن موضوع از گردونه‌ی انتخاب خارج می‌گردند و در این بخش معرفی می‌شوند. با تبریک مجدد سال تحصیلی جدید، باز منتظر دیدن آثار شما هستیم.

آذربایجان شرقی: مژگان سلطانی، دبستان زمزم، ناحیه‌ی ۴ تبریز؛ «خاطره‌ای از روز معلم». **آی‌ریا عرب‌خویی**، تبریز؛ «ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان»

آذربایجان غربی: ناصر اعلانی، دبستان ولایت دوآب، اشنوویه؛ «کیفیت‌بخشی به کلاس چندپایه».

اردبیل: سید قدرت‌الله عزیزی زاویه، دبستان ناصری، خلخال؛ «اجرای طرح جابر بر مبنای فلسفه‌ی یادگیری»

اصفهان: شهلا سلیمانی، کاشان؛ «مشکلات شناخت کودکان»، «بلوغ» و «تکلیف شب».



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کو دک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد خواتون برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوانان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

کرمانشاه: محمدطاها اکبری، سرپل ذهاب؛ «مشکلات کلاس‌های چندپایه و راهکارهای کیفیت‌بخشی»

گیلان: علی ناصری، آموزگار دبستان شیخ محمد منتظری، سیاهکل؛ «تدریس نمایش تقسیم اعشاری»

مازندران: صدیقه افشاری، جویبار؛ مقاله‌ی «تأثیر آموزش فراشناختی بر کاهش مشکلات ریاضی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری». لطفاً مطالب کوتاه‌تری تهیه وارسال فرمایید. **فربا سروری عموقین**، ناحیه‌ی ۲ ساری؛ «آموزش و پرورش ایران باستان»

علی‌رضا اکبرزاده نشلی، چمستان؛ «اهمیت ارتباط خوب با دانش‌آموزان در تدریس»

معصومه تاراجی، نوشهر؛ لطفاً برای جوایز خود به اداره‌ی آموزش و پرورش شهر خود مراجعه فرمایید.

مرکزی: لیلا خادمی، ناحیه‌ی ۲، اراک؛ «استفاده از روش‌های نوین تدریس مبتنی بر IT و «چگونه می‌توانم علاقه‌ی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم را به کتاب افزایش دهم» **سیده‌صدیقه امینی**، دبستان علی‌بن ابی‌طالب(ع)، تفرش؛ «چگونه توانستم ضعف املایی دانش‌آموزان کلاس اول ...»

آثار این همکاران نیز رسید

احمد رضا اکبری، «فضای کلاس و کیفیت آموزشی».

ندا قدیانلو؛ «کاهش مسائل انضباطی».

زهره خراشادی‌زاده، **فاطمه رحمتی‌خادر**؛ «مقایسه

تحلیلی محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم ...»

شهربانو صادقی؛ فایل «ده نکته‌ی تعلیم و تربیت» بدون متن بود.

مینا امجدنیا؛ تجربه‌ها و آثار خود را بفرستید.

فاطمه ملکی جبلی؛ «تأثیر آموزش محاسبات ذهنی ریاضی در یادگیری دانش‌آموزان».

پروین سلیمان تبار؛ **هانیه شهابی‌آریا**

گوهر ایمانی، آموزگار؛ «دانش‌آموز شهید من».

مطهره حیدری؛ «اقدام پژوهی».

سمانه دستفروشان، معاون آموزشی؛ «پله‌پله تا بهشت».

حسن نجفی، دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی؛

«پدیدارنگاری صلاحیت‌های حرفه‌ای تدریس در ابتدایی».

؟؟؟ **رضازاده**، پایه‌ی چهارم؛ «هوش هیجانی و چگونگی افزایش این مقوله در کودکان».



سفرهای پرماجرایی داری و ناری

مریم موسوی

نویسنده: ابوالقاسم فیض آبادی
ناشر: انتشارات نخستین، تهران (۶۶۴۹۸۱۴۸-۰۲۱)
سال چاپ: ۱۳۹۴

آموزگاران به خوبی از آثار سازنده‌ی مسافرت، چه واقعی و چه خیالی، بر دانش آموزان آگاه‌اند. سفر به افزایش تجربه و آگاهی منجر می‌شود.

با کتاب هم می‌توان به سفر رفت. کتاب «سفرهای پرماجرایی داری و ناری» مجموعه‌ای ۲۱ جلدی از شرح سفرهای رؤیایی «ناری» ۱۰ ساله و برادر ۱۲ ساله‌ی او «داری» است. وقتی کسی به مطالعه علاقه‌مند باشد، می‌تواند سوار متن و تصاویر قصه‌های خیال‌انگیز، از زیرزمین خانه‌ی مادر بزرگ به دیدار بزرگان و مشاهیر برود. نویسنده‌ی این کتاب می‌گوید: «اگر شما هم دوست دارید سفری رؤیایی و پرماجرا داشته باشید و با حوادث زمان بزرگان از نزدیک آشنا شوید، ماجراهای داری و ناری را بخوانید. هدف از انتشار این مجموعه آشنایی با تاریخ علم این سرزمین است. دیدار شگفت با محمدبن زکریای رازی، دیداری با نظامی گنجوی، دیدار با نصیرالدین طوسی در قلعه‌ی الموت و ... عنوان‌های چند جلد از کتاب‌های این مجموعه هستند.

از نکات جالب توجه این مجموعه، درج پیام خوانندگانی است که نسخه‌ی پیش از چاپ کتاب «دیداری شگفت با ابوعلی سینا» را خوانده‌اند. یک مادر نوشته است: «دخترم برای اولین بار است کتابی را دو بار می‌خواند...»

مجلد شماره‌ی ۲۱ این مجموعه «کتاب شما» نام دارد. ناشر گفته است: «نویسنده‌ی این شماره شما باشید. بنویسید و نقاشی کنید.» در ادامه نیز راه و رسم نوشتن و اینکه از کجا آغاز کنیم و توصیه‌هایی برای بهتر نوشتن، آمده است.



اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

روشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۷۷۳۳۶۶۵۶. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- استان: شهرستان:
- خیابان:
- پلاک: شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:
- ♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹
♦ تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶
♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



پدر: پسر من به درس و مشقت رسیدی؟
پسر: بابا بذار به زندگیم برسیم!

«... حسین(ع) تنها کسی است که در چهارده قرن پیش در برابر حکومت جور و ظلم قد عَلَم کرد...
حسین(ع) شعار همیشگی را سر می‌داد که من در راه حق و حقیقت کشته می‌شوم ولی دست به ناحق نمی‌دهم...»
ماریبن، محقق آلمانی به نقل از کتاب «واقعه‌ی عاشورا»



مریم شیخ زاده نوش آبادی / اصفهان - آران بیدگل / هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد



تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها: ۱۵ آبان ۱۳۹۵

مختلف صوتی و تصویری است که تقریباً بخش عمده‌ی زندگی افراد به‌ویژه نشر نوجوان و جوان جامعه را احاطه کرده و اوقات فراغت آن‌ها را به خود اختصاص داده است. این امر با شتابی فزاینده در جامعه در حال حرکت است.

اینک نظر شما؛

۱. آیا ورود فرزندان (دانش‌آموزان) به دنیای شگفت‌انگیز فن‌آوری‌های نوین ارتباطی یک فرصت است یا تهدید؟

۲. توجه و رعایت چه ملاحظات‌ی می‌تواند استفاده‌ی بهینه از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به وسیله‌ی فرزندان را تضمین سازد؟

○ با آغاز مهرماه یک بار دیگر دست شما را می‌فشاریم و با انتشار متن مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» همراهی شما را در مجله‌خواستاریم. در طی سال‌هایی که از اجرای این مشارکت می‌گذرد، با استقبال خوب خوانندگان روبه‌رو بوده‌ایم. پرسش‌های این شماره از لابه‌لای یکی از مطالب پرونده انتخاب شده است. برای شرکت در این فعالیت پاسخ تفصیلی خود را به نشانی پستی یا ایمیل مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی ارسال کنید.

● عصر نوین را عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نام نهاده‌اند. یکی از پیامدهای این دوره ورود تکنولوژی نوین در قالب‌های



عکاس: اعظم لاریجانی

اسامی برندگان دوره‌ی نوزدهم این مسابقه را در مجله‌ی شماره‌ی آبان ۹۶-۹۵ ببینید.



پدر: پسرم به درس و مشقت رسیدی؟

پسر: بابا بذار به زندگیم برسم!